

تحلیلی انتقادی بر پیامدهای خصوصی سازی در بستر رهیافت های زیملوژی

پیمان دولت خواه پاشاکی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

peyman.d77@gmail.com

بهزاد رضوی فرد

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

razavifard@atu.ac.ir

چکیده:

خصوصی سازی در دهه های اخیر به عنوان یکی از مهم ترین سازوکارهای بازآرایی نقش دولت در اقتصاد و جامعه، در چارچوب سیاست های تعدیل ساختاری و منطق نئولیبرالی گسترش یافته است. با وجود ادعای افزایش کارایی، رقابت پذیری و کاهش تصدی گری دولت، این سیاست در عمل، به ویژه در غیاب شفافیت، نظارت مؤثر و ملاحظات عدالت محور، می تواند به تولید بازتولید آسیب های اجتماعی، اقتصادی و نهادی منجر شود. مقاله حاضر با اتکا بر رهیافت زیملوژی و با هدف تحلیل انتقادی پیامدهای خصوصی سازی، می کوشد نشان دهد که این سیاست چگونه می تواند گروه های مختلف اجتماعی، به ویژه طبقات فرودست، کارگران و مصرف کنندگان خدمات عمومی را در معرض بزه دیدگی ساختاری قرار دهد. پرسش اصلی پژوهش آن است که خصوصی سازی از منظر زیملوژیک چه آسیب هایی تولید می کند، قربانیان آن چه کسانی اند و چه سازوکارهای حقوقی و سیاستی برای پیشگیری، مهار و جبران این آسیب ها قابل ارائه است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه ای و داده های در دسترس است. یافته های پژوهش نشان می دهد که خصوصی سازی فاقد ضابطه می تواند به تشدید نابرابری، تضعیف دسترسی عمومی به خدمات پایه، افزایش بیکاری، فرسایش اعتماد عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی بینجامد. براین اساس، مقاله بر ضرورت استقرار نظام ارزیابی پیشینی و پسینی، شفاف سازی کامل فرایند واگذاری، احراز اهلیت واقعی، تضمین حقوق کارگران و پیش بینی سازوکارهای جبرانی و حمایتی تأکید می کند.

کلیدواژگان: زیملوژی، نابرابری، خصوصی سازی، قربانی، آسیب.

مقدمه

نئولیبرالیسم ایدئولوژی اقتصادی و سیاسی است که بر پایه اصول بازار آزاد که از اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ مطرح و با روی کار آمدن ریگان در آمریکا تثبیت شد، رویکردی در اقتصاد سیاسی که بر خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و عقب‌نشینی دولت از مداخله اقتصادی تکیه دارد و نقش دولت را عمدتاً به توجیه و تضمین سازوکار بازار محدود می‌کند. این جریان را می‌توان صورت‌بندی جدیدی از لیبرالیسم اقتصادی دانست که ریشه‌اش به اندیشه‌های آدام اسمیت و دفاع از تجارت آزاد و عدم محدودیت‌های دولتی بازمی‌گردد و در عمل، آزادی عمل سرمایه‌داران برای کسب سودهای کلان را تقویت می‌کند.^۱

در این میان خصوصی‌سازی از مهم‌ترین سیاست‌هایی است که در چارچوب تحول در دولت رفاه، کاهش تصدی‌گری دولت و گسترش منطق بازار در نظام‌های اقتصادی معاصر به کار گرفته شده است. این سیاست در ظاهر بر انتقال مالکیت یا مدیریت از بخش عمومی به بخش خصوصی دلالت دارد، اما در واقع، دامنه آثار آن محدود به قلمرو اقتصاد نیست و می‌تواند مناسبات اجتماعی، توزیعی، شغلی و نهادی را نیز به طور بنیادین دگرگون سازد. از همین رو، خصوصی‌سازی صرفاً یک تکنیک مدیریتی یا اقتصادی نیست، بلکه یک تصمیم سیاستی با پیامدهای چندلایه است که در صورت فقدان سازوکارهای کنترلی و عدالت‌محور، قادر است به بازتولید نابرابری و تشدید آسیب‌های اجتماعی بینجامد.

در ادبیات جریان اصلی اقتصاد، خصوصی‌سازی غالباً با مفاهیمی همچون کارایی، رقابت، چابک‌سازی و کاهش بار مالی دولت توجیه می‌شود. در این تلقی، دولت از نقش تصدی‌گرانه فاصله می‌گیرد و میدان برای کنش بخش خصوصی و سازوکارهای بازار گشوده می‌شود. با این حال، تجربه‌های نظری و عینی نشان می‌دهد که این سیاست، هرگاه بدون شفافیت، بدون ارزیابی آثار اجتماعی و بدون ملاحظات حمایتی اجرا شود، می‌تواند منجر به انتقال منافع عمومی به گروه‌های محدود، کاهش دسترسی اقشار ضعیف به خدمات اساسی، تضعیف امنیت شغلی، و افزایش نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع شود؛ بنابراین، مسئله اصلی نه خود واگذاری، بلکه چگونگی طراحی، نظارت و مهار آثار آن است.

خصوصی‌سازی در ایران از برنامه پنج‌ساله اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) با هدف کاهش نقش دولت، کم‌کردن بار مالی و افزایش کارایی آغاز شد. در دهه‌های بعد ادامه یافت،^۲ اما واگذاری‌های متعدد به نهادهای شبه‌دولتی و مشکلات ساختاری مالکیت، آن را با چالش روبه‌رو کرد. در دولت‌های نهم و دهم بیش از ۹۸٪ واگذاری‌ها انجام شد؛ ولی به علت نبود شفافیت و انتقال به نهادهای عمومی غیردولتی، انتقادات گسترده‌ای شکل گرفت. در سال‌های اخیر نیز خصوصی‌سازی در بخش‌هایی مانند آموزش و بهداشت گسترش یافته، اما تمرکز مالکیت، فساد و عدم شفافیت همچنان موانع اصلی‌اند.^۳

زمینولوژی که به معنای "مطالعه آسیب" است، رویکردی جدید در جرم‌شناسی است که به بررسی اثرات مخرب تصمیمات اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها و دولت شرکت‌ها بر جامعه می‌پردازد. آسیب به‌عنوان یک مفهوم در رابطه با مردمی بکار برده

^۱ - عبدالرضا جوان جعفری و امین حاجی وند، «تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی)»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، (۱۴۰۰)، (۱)۱۶، ۱۹۵-۲۱۶، ۱۹۹ الی ۲۰۰.

^۲ - فردین شوریج و هادی مورخ «همه ابعاد خصوصی‌سازی»، مجله شاخص کارآفرینی، ۵، ۱۷ (۱۳۹۹)، ۴۷-۳۶.

^۳ - حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی، «اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، مجله مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، (۱۴۰۱)، (۱)۵، ۳۱۹-۲۸۷.

می‌شود که به دلیل ساختارهای اجتماعی از برآورده کردن نیازهایشان بازداشته می‌شوند.^۴ از منظر زمیولوژی، تمرکز باید از «بزه» به «آسیب» و از «کنش مجرمانه فردی» به «سازوکارهای آسیب‌زای ساختاری و سیاست‌زاد» منتقل شود. زمیولوژی با گسترش دایره تحلیل به حوزه‌های فراتر از جرم سنتی، امکان شناسایی انواع بزه‌دیدگی پنهان، تدریجی و نهادی را فراهم می‌سازد؛ بزه‌دیدگی‌ای که ممکن است نه در قالب جرم قانونی، بلکه در قالب سیاست عمومی آسیب‌زا، حذف تدریجی دسترسی‌ها، یا تضعیف نهادهای حمایتی بروز یابد. در این چارچوب، خصوصی‌سازی می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق مهم آسیب اجتماعی سیاست‌زاد فهم شود؛ یعنی سیاستی که به‌جای ارتقای رفاه عمومی، در صورت فقدان ضابطه، به قربانی‌سازی گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود.

اهمیت این مسئله در بستر ایران به‌ویژه برجسته است. تجربه برخی واگذاری‌ها نشان داده است که نبود اهلیت‌سنجی واقعی، شفافیت ناکافی، ملاحظات غیرکارشناسی، و فقدان نظارت مؤثر می‌تواند پیامدهایی مانند تعطیلی واحدهای تولیدی، کاهش سطح اشتغال، تضعیف خدمات عمومی، و افزایش نارضایتی اجتماعی در پی داشته باشد. از این جهت، تحلیل خصوصی‌سازی در بستر ایران صرفاً یک بحث اقتصادی نیست، بلکه مسئله‌ای مرتبط با عدالت اجتماعی، امنیت شغلی، حقوق عمومی و پیشگیری از آسیب است. به همین دلیل، بررسی پیامدهای خصوصی‌سازی از منظر زمیولوژی می‌تواند زمینه‌ای برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری عمومی و طراحی سازوکارهای حمایتی و جبرانی فراهم کند.

پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که خصوصی‌سازی در ذات خود الزاماً آسیب‌زا نیست، اما در فقدان شروط حقوقی و نهادی مناسب، به‌سادگی می‌تواند به سازوکاری برای افزایش آسیب‌های اجتماعی بدل شود. بر همین مبنا، پرسش اصلی مقاله آن است که خصوصی‌سازی از منظر زمیولوژی چه نوع آسیب‌هایی تولید می‌کند، قربانیان آن چه کسانی‌اند، و چه تدابیر تقنینی و سیاستی می‌تواند از شدت این آسیب‌ها بکاهد. در پاسخ به این پرسش، مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا بر منابع کتابخانه‌ای و داده‌های در دسترس، ابتدا چارچوبی نظری نسبت خصوصی‌سازی با ساختارهای بزه‌دیده ساز و زمیولوژیک را بررسی می‌کند؛ سپس با بهره‌گیری از رهیافت زمیولوژی، ابعاد آسیب‌زا و قربانیان آن را تحلیل و شناسایی می‌نماید؛ و در نهایت، مجموعه‌ای از پیشنهادها تقنینی، نهادی و جبرانی را برای مهار و اصلاح این فرایند ارائه می‌دهد.

در سال‌های اخیر، برخی پژوهش‌ها و آثار علمی در حوزه زمیولوژی، آسیب اجتماعی، نئولیبرالیسم و خصوصی‌سازی منتشر شده‌اند که هر یک از زاویه‌ای خاص، بخشی از مبانی نظری یا زمینه‌های تحلیلی پژوهش حاضر را فراهم می‌کنند. با این حال، بیشتر این آثار یا به تبیین کلی زمیولوژی و مفهوم آسیب اجتماعی پرداخته‌اند یا خصوصی‌سازی را در چارچوب اقتصاد سیاسی و نئولیبرالیسم بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی به‌طور مستقیم، پیامدهای خصوصی‌سازی را در بستر رهیافت‌های زمیولوژی و با تمرکز بر قربانیان و بزه‌دیدگی ساختاری تحلیل کرده است. بنابراین، به‌اختصار به برخی از پژوهش‌ها و آثاری که موضوع آن‌ها تا حدودی با پژوهش حاضر مرتبط است، اشاره می‌شود:

۱- غلامی، حسین، در کتابی با عنوان «درآمدی بر آسیب اجتماعی‌شناسی؛ زمیولوژی»، به معرفی مبانی نظری زمیولوژی و تمایز آن با جرم‌شناسی‌های جریان اصلی پرداخته است. وی با تمرکز بر مفهوم آسیب اجتماعی، نشان می‌دهد که بسیاری از زیان‌های وارد شده بر افراد و گروه‌های اجتماعی، الزاماً در قالب جرم قانونی قابل شناسایی نیستند، اما از منظر

⁴ - Victoria Canning and Steve Tombs, From Social Harm to Zemiology: A Critical Introduction. 1 ed. Abingdon: Routledge.

زمینولوژیک واجد اهمیت تحلیلی‌اند. اهمیت این اثر برای پژوهش حاضر در آن است که مبنای نظری لازم برای عبور از تحلیل جرم‌محور و توجه به اشکال ساختاری آسیب را فراهم می‌سازد.

۲- بوک‌لی، اولی و کوتزه، جاستین، در کتاب «زمینولوژی؛ بازیبوند جرم و آسیب اجتماعی»، با ترجمه هانیه هژبرالساداتی، نسبت میان جرم، آسیب اجتماعی و سازوکارهای قدرت را بررسی کرده‌اند. نویسندگان در این اثر بر آن‌اند که تمرکز صرف بر جرم قانونی، موجب نادیده‌گرفتن بسیاری از آسیب‌های گسترده‌ای می‌شود که از سوی دولت‌ها، شرکت‌ها و ساختارهای اقتصادی تولید می‌شوند. این اثر از آن جهت با پژوهش حاضر مرتبط است که امکان تحلیل خصوصی‌سازی را نه صرفاً به‌عنوان یک سیاست اقتصادی، بلکه به‌مثابه فرایندی مولد آسیب اجتماعی فراهم می‌کند.

۳- امیدی، مسعود، در کتاب «کارنامه نئولیبرالیسم در ایران: خصوصی‌سازی در آینه پژوهش»، به بررسی تجربه خصوصی‌سازی در ایران و پیامدهای آن پرداخته است. وی با مرور داده‌ها و پژوهش‌های مرتبط، نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در ایران، در موارد متعدد، نه به افزایش کارایی و عدالت اقتصادی، بلکه به شکل‌گیری واگذاری‌های مسئله‌مند، تضعیف حقوق کارگران، تشدید نابرابری و گسترش پیامدهای اجتماعی نامطلوب منجر شده است. اهمیت این اثر برای پژوهش حاضر در آن است که زمینه تجربی و بومی تحلیل پیامدهای خصوصی‌سازی را فراهم می‌کند.

۴- کینینگ و تامبز در کتابی با عنوان «از آسیب اجتماعی تا زمینولوژی: درآمدی انتقادی»، به تبیین گذار از مفهوم «آسیب اجتماعی» به زمینولوژی پرداخته‌اند. آنان با نقد محدودیت‌های جرم‌شناسی سنتی، استدلال می‌کنند که بسیاری از آسیب‌های مهم اجتماعی، از جمله آسیب‌های ناشی از عملکرد دولت‌ها، بازارها و شرکت‌ها، خارج از چارچوب جرم‌انگاری رسمی باقی می‌مانند. این اثر از آن جهت برای پژوهش حاضر اهمیت دارد که چارچوب نظری لازم برای تحلیل خصوصی‌سازی به‌عنوان سازوکار تولید آسیب ساختاری را تقویت می‌کند.

۵- رینفورد در مقاله‌ای با عنوان «کاربست زمینولوژی برای واکاوی آسیب‌های اجتماعی احتمالی حق یادگیری مادام‌العمر»، از رهیافت زمینولوژی برای بررسی آسیب‌های اجتماعی احتمالی در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی استفاده کرده است. وی نشان می‌دهد که زمینولوژی می‌تواند ابزاری برای ارزیابی انتقادی سیاست‌های عمومی باشد؛ به‌ویژه در مواردی که پیامدهای زیان‌بار سیاست‌ها در قالب جرم یا تخلف رسمی قابل شناسایی نیستند. این مقاله از حیث روش‌شناختی با پژوهش حاضر مرتبط است؛ زیرا نشان می‌دهد که می‌توان سیاست‌های عمومی را از منظر تولید آسیب، قربانی‌سازی و پیامدهای ساختاری تحلیل کرد.

با وجود اهمیت آثار یادشده، خلأ اصلی در ادبیات موجود آن است که کمتر پژوهشی به‌صورت متمرکز به تحلیل پیامدهای خصوصی‌سازی در چارچوب رهیافت‌های زمینولوژی پرداخته است. آثار زمینولوژیک بیشتر بر تبیین نظری مفهوم آسیب اجتماعی، نقد جرم‌شناسی سنتی و شناسایی زیان‌های ساختاری متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های مربوط به خصوصی‌سازی نیز غالباً آن را از منظر اقتصادی، مدیریتی، حقوق عمومی یا اقتصاد سیاسی بررسی کرده‌اند. از این‌رو، وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که می‌کوشد با پیوند دادن ادبیات زمینولوژی و نقد خصوصی‌سازی، نشان دهد که خصوصی‌سازی فاقد ضابطه چگونه می‌تواند به سازوکاری برای تولید و بازتولید آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی تبدیل شود و گروه‌هایی مانند کارگران، طبقات فرودست، مصرف‌کنندگان خدمات عمومی، جوامع محلی و نسل‌های آینده را در معرض بزه‌دیدگی ساختاری قرار دهد. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با پیوند دادن ادبیات زمینولوژی و نقد خصوصی‌سازی، نشان دهد که خصوصی‌سازی فاقد ضابطه چگونه می‌تواند به سازوکاری برای تولید و بازتولید آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی تبدیل شود و

گروه‌هایی مانند کارگران، طبقات فرودست، مصرف‌کنندگان خدمات عمومی، جوامع محلی و نسل‌های آینده را در معرض بزه‌دیدگی قرار دهد.

۱- تبیین زمیولوژیک خصوصی سازی به مثابه ساختار قربانی ساز

زمیولوژی، به مثابه رویکردی انتقادی در جرم‌شناسی معاصر، به جای تمرکز صرف بر جرایم جرم‌انگاری شده، بر آسیب‌هایی دست می‌گذارد که در بستر ساختارهای سیاسی و اقتصادی، به‌ویژه توسط دولت‌ها و بنگاه‌های قدرتمند، تولید یا تشدید می‌شوند. از این منظر، خصوصی سازی هنگامی که با کاهش دسترسی به خدمات عمومی، افزایش نابرابری و تضعیف حمایت‌های اجتماعی همراه شود، واجد ماهیتی قربانی ساز است. مقصود از ساختار قربانی ساز، مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی، اقتصادی و سیاسی است که برخی گروه‌ها، به‌ویژه اقشار فرودست و آسیب‌پذیر، را به‌طور نامتناسب در معرض آسیب قرار می‌دهد. در این چارچوب، قربانیت صرفاً پیامد یک رفتار مجرمانه نیست، بلکه نتیجه فرایندهای مشروع‌نمایی شده‌ای است که آسیب را در پوشش سیاست‌گذاری بازتولید می‌کنند. خصوصی سازی از رهگذر تشدید ناامنی معیشتی، بی‌ثباتی شغلی، احساس بی‌عدالتی و کاهش اعتماد نهادی، بستر نارضایتی اجتماعی را فراهم می‌سازد. بر این اساس، تبیین زمیولوژیک خصوصی سازی به مثابه ساختار قربانی ساز، برای فهم پیوند میان سیاست اقتصادی، تولید آسیب و شکل‌گیری قربانیان مستقیم و غیرمستقیم ضرورتی تحلیلی دارد.

۱-۱- بازپیوند زمیولوژی و خصوصی سازی

زمیولوژی به‌عنوان یک رویکرد تحلیل آسیب‌های اجتماعی، به ما کمک می‌کند تا پیامدهای منفی خصوصی سازی را بر اقشار مختلف جامعه درک کنیم. خصوصی سازی می‌تواند به نابرابری‌های اقتصادی، کاهش دسترسی به خدمات عمومی، و افزایش نارضایتی اجتماعی منجر شود. از طریق مطالعه زمیولوژیکی این آسیب‌ها، سیاست‌گذاران می‌توانند اثرات مخرب خصوصی سازی را شناسایی کرده و اقداماتی برای کاهش آسیب‌ها و حفظ عدالت اجتماعی انجام دهند. ارتباط میان زمیولوژی و خصوصی سازی را می‌توان از طریق تحلیل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این سیاست‌ها بر جامعه مورد بررسی قرار داد. زمیولوژی به شناسایی و تحلیل آسیب‌ها و نابرابری‌های اجتماعی می‌پردازد که می‌تواند در نتیجه سیاست‌های اقتصادی، از جمله خصوصی سازی، به وجود آیند یا تشدید شوند. در ادامه به چگونگی ارتباط این دو مفهوم پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱ خصوصی سازی به‌عنوان منبع آسیب‌های اجتماعی

از دیدگاه زمیولوژی، خصوصی سازی می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی از جمله نابرابری اقتصادی منجر شود. با انتقال خدمات اساسی (مانند بهداشت، آموزش، و حمل و نقل) به بخش خصوصی، دسترسی به این خدمات برای گروه‌های کم‌درآمد دشوارتر می‌شود. این امر باعث افزایش شکاف طبقاتی و ایجاد محرومیت‌های اجتماعی می‌گردد. مورد بعدی بیکاری و ناپایداری شغلی است. خصوصی سازی اغلب با کاهش نیروی کار، افزایش بیکاری و کاهش امنیت شغلی همراه است. این سیاست‌ها معمولاً به بهینه‌سازی نیروی کار از دیدگاه بهره‌وری اقتصادی منجر می‌شوند، اما از دیدگاه زمیولوژی، چنین تغییراتی می‌توانند به بی‌ثباتی اقتصادی برای کارگران و خانواده‌هایشان تبدیل شوند. کاهش دسترسی

به خدمات عمومی؛ خدماتی که پیش‌تر توسط دولت‌ها به‌صورت عمومی و با قیمت مناسب ارائه می‌شدند، با خصوصی‌سازی ممکن است گران‌تر و کمتر در دسترس شوند.

۱-۲-۱- زمیولوژی به‌عنوان ابزار نقد خصوصی‌سازی

زمیولوژی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای نقد و ارزیابی سیاست‌های خصوصی‌سازی مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد به تحلیل پیامدهای این سیاست‌ها از دیدگاه عدالت اجتماعی و حقوق انسانی می‌پردازد و آسیب‌های ناشی از آن را شناسایی می‌کند. برای مثال تأثیر بر حقوق بشر؛ خصوصی‌سازی ممکن است به نقض حقوق اساسی مانند حق بهداشت و درمان، حق آموزش، و حق مسکن منجر شود. زمیولوژی به شناسایی این نوع آسیب‌ها کمک می‌کند و از طریق بررسی ساختارهای سیاسی و اقتصادی که منجر به این نقض‌ها می‌شوند، نقد خود را ارائه می‌دهد.

۱-۲-۲- خصوصی‌سازی و ایجاد ساختارهای قربانی‌ساز

ساختار قربانی‌سازی در فرایند خصوصی‌سازی به مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی اشاره دارد که در جریان انتقال مالکیت خدمات و منابع عمومی به بخش خصوصی، گروه‌هایی از جامعه را در معرض آسیب و محرومیت قرار می‌دهد. این ساختار شامل روابط قدرت، فرایندهای سیاست‌گذاری، و تأثیرات نامتقارن اقتصادی است که برخی گروه‌ها را به قربانی تبدیل می‌کند.

انتخاب عبارت «ساختار قربانی‌ساز» عامداً و به دلیل تفکیک میان قلمرو مطالعاتی زمیولوژی با جرم‌شناسی‌های جریان اصلی انتخاب گردیده است که در آن توجه بر بزه‌دیده است که متحمل خسارات و آسیب از جرم تعریف شده قانونی است. درحالی‌که زاویه دید در زمیولوژی گسترده‌تر رفته و بزه‌دیدگی را تنها معلول رفتارهای جرم‌انگاری شده نمی‌داند؛ بلکه ناشی از سوء عملکرد اقتصادی - سیاسی شرکت‌ها و دولت‌هایی است که چنین فعالیت‌هایی را گسترش می‌دهند.^۵ قربانیت یعنی ظرفیت و اهلیت بالقوه بزه‌دیده شدن که در مطالعات زمیولوژی به منصفه ظهور می‌رسد و مفهومی پویا است.^۶ تحمیل آسیب از جانب دولت - شرکت‌ها، بی‌اطلاعی از وقوع آسیب به خود و توجه کمتر به رفتار آسیب‌زا حتی زمانی که رفتار ارتكابی مصداقی از جرم باشد، ویژگی اصلی این بزه‌دیدگان است.^۷ و در تقسیم‌بندی مرسوم بزه‌دیده شناسان از بزه‌دیدگی، در ردیف بزه‌دیدگان ناشی از سوءاستفاده از قدرت و اقدامات مغایر حقوق بشر قرار می‌گیرند.^۸ این نوع بزه‌دیدگی علاوه بر هزینه‌ها و آسیب‌های مستقیم می‌تواند هزینه‌های ثانویه دیگری به همراه داشته باشد که به همان اندازه زیان‌بار است. سه حوزه مهم اثر ثانویه این نوع بزه‌دیدگی عبارت‌اند از: الف) تضعیف اعتماد در اقتصاد ب) ازدست‌رفتن اعتماد و اطمینان به نهادها، فرایندها و رهبران سیاسی و ج) فرسایش اخلاق عمومی.^۹

در خصوصی‌سازی تمرکز بر سودآوری به‌جای خدمات عمومی است و اغلب موجب می‌شود خدمات عمومی به‌جای تمرکز بر برابری و دسترسی همگانی، بر سودآوری متمرکز شوند. اقشار کم‌درآمد به دلیل افزایش قیمت خدمات از دسترسی به آن‌ها

^۵-حسین غلامی، درآمدی بر آسیب اجتماعی شناسی (تهران: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، ۱۳۹۹)، ۶۷.

^۶-نبی‌الله غلامی، مترجم، بزه دیده شناسی جرم حکومتی (تهران: شهردانش، ۱۳۹۹)، ۴۶.

^۷-غلامی (الف)، پیشین، ۶۶.

^۸-غلامی (ب)، پیشین، ۲۶.

^۹-سید محمد حسینی و مجید قورچی بیگی، «تحلیل بزه دیده شناختی جرایم یقه سفیدها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳ (۱۳۹۴)، ۱۲.

محروم می‌شوند، خدمات حیاتی مانند آب، برق، و بهداشت در معرض کاهش کیفیت یا قطع دسترسی قرار می‌گیرند. خصوصی‌سازی موجب تقویت رابطه نابرابر قدرت می‌شود؛ چراکه در بسیاری از موارد، خصوصی‌سازی به نفع نهادهای ثروتمند و قدرتمند طراحی می‌شود. این امر می‌تواند منجر به حذف یا به حاشیه راندن گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر و ایجاد قراردادهای ناعادلانه شود که امکان مطالبه‌گری یا دفاع از حقوق برای جوامع محلی را محدود می‌کند. عدم شفافیت و فساد از زمینه‌های قربانی ساز خصوصی‌سازی است بدین دلیل که فرایند خصوصی‌سازی در بسیاری از موارد بدون شفافیت و نظارت دقیق انجام می‌شود و این وضعیت می‌تواند منجر به انعقاد قراردادهای فسادآمیز میان شرکت‌های خصوصی و دولت مردان و سوءاستفاده از منابع عمومی که موجب کاهش اعتماد عمومی می‌شود. گسترش و تقویت خصوصی‌سازی واجد پیامدهای جدی اجتماعی و زیست‌محیطی خواهد بود چرا که بسیاری از پروژه‌های خصوصی‌سازی پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی گسترده‌ای دارند که در گذر آن جوامع محلی به دلیل پروژه‌های زیرساختی یا بهره‌برداری از منابع طبیعی دچار آوارگی می‌شوند و ازسوی دیگر در موارد متعددی تخریب زیست‌محیطی ناشی از بهره‌برداری بیش از حد منابع طبیعی به آسیب‌های جبران‌ناپذیر منجر می‌شود. همچنین خصوصی‌سازی موجب تقویت نابرابری ساختاری می‌شود به‌طوری که اقشار ثروتمند از خدمات بهتر و دسترسی بیشتر بهره‌مند می‌شوند، درحالی‌که اقشار کم‌درآمد به طور سیستماتیک محروم می‌گردند. باتوجه به این موارد، کاربست سیاست‌های ناظر بر خصوصی‌سازی موجبات و بسترهای ایجاد بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم فراهم می‌سازد با این توضیح که افرادی به طور مستقیم تحت‌تأثیر کاهش کیفیت خدمات یا افزایش هزینه‌ها قرار می‌گیرند، مانند بیماران در بیمارستان‌های خصوصی شده و افرادی که به دلیل پیامدهای ساختاری مانند افزایش بیکاری یا تخریب محیط‌زیست آسیب می‌بینند.

به هر روی، زیملوژی بر این باور است که گرچه ممکن است اقدامات دولت و نهادهای شرکتی با مرزهای قانونی به‌خوبی همخوانی داشته باشد، اما تأثیر آن‌ها بر جوامع، افراد و خانواده‌ها بدون شک می‌تواند به‌نوعی مضر تلقی شود. اینکه فعالیت‌هایی، چه عمدی و چه غیرعمدی که فراتر از پارامترهای اراده کیفری و قانون جزا قرار دارند، می‌توانند آسیب‌های بزرگی به افراد، جوامع و فرهنگ‌ها وارد کنند.^{۱۰} ازاین‌رو، زیملوژی به‌جای توجه به بزه‌دیدگان مستقیم ناشی از وقوع جرایم به جمیع افرادی که از کاربست سیاست‌های دولت‌ها متحمل آسیب گردیده‌اند، توجه دارد و آنان را در قالب قربانیان این سیاست‌ها دسته‌بندی می‌نماید. در حوزه سیاست‌های خصوصی‌سازی نیز، این رویکرد برای شناسایی گروه‌های متأثر از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم این سیاست‌ها به کار می‌رود. خصوصی‌سازی، به‌عنوان یک فرایند اقتصادی و سیاسی، می‌تواند طیف وسیعی از آسیب‌ها را ایجاد و افراد و گروه‌های مختلف را در نقش قربانی قرار دهد. در چارچوب مطالعات زیملوژیک، آسیب‌ها و قربانیان ناشی از خصوصی‌سازی حداقل به چهار دسته اصلی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی دسته‌بندی می‌شوند که در ادامه به بررسی آنان پرداخته می‌شود.

۲- آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی خصوصی‌سازی

سیاست‌های ناظر بر خصوصی‌سازی، فراتر از یک گزاره صرفاً اقتصادی در عمل می‌تواند به بازتوزیع نامتوازن منافع و تحمیل هزینه‌های سنگین بر گروه‌های آسیب‌پذیر منجر شود و به سازوکاری برای کالایی‌سازی خدمات اساسی و بازتولید ساختاری نابرابری بدل گردد. کاهش دسترسی به خدمات عمومی، افزایش فشار معیشتی، تضعیف امنیت شغلی و گسترش احساس محرومیت، از جمله نتایج حاصل از کاربست سیاست‌های خصوصی‌سازی است که هم زیست‌مادی و هم مناسبات

¹⁰ - Anthony Lloyd, The Harms of Work An Ultra-Realist Account of the Service Economy, (uk: Bristol University Press, 2019), 14.

اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب، آنچه در بدایت امر تغییری ساختاری در پهنه اقتصاد قلمداد می‌گردد، در فرآیند اجرا به تجربه‌ای انباشته از رنج زیسته، ناامنی روانی و طرد اجتماعی برای قربانیان این فرایند تبدیل می‌شود. با توجه به این ملاحظات، در ادامه به بررسی آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از خصوصی سازی پرداخته می‌شود.

۱-۲- آسیب‌های اقتصادی

خصوصی سازی اغلب با هدف بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌های دولت انجام می‌شود، اما در عمل، پیامدهای اقتصادی آن معمولاً منجر به آسیب به اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌شود. آسیب‌های اقتصادی خصوصی سازی، به‌ویژه در بستر جوامع در حال توسعه و کشورهایی با نظارت‌های نهادی ضعیف، یکی از ابعاد کلیدی در تحلیل‌های زیملوژیک است؛ چرا که این سیاست به جای تحقق وعده‌هایی نظیر افزایش بهره‌وری و کارایی، اغلب به بازتوزیع نامتوازن ثروت و تحمیل هزینه‌های سنگین بر بدنه عمومی جامعه منجر می‌شود. از منظر آسیب‌شناسانه، خصوصی سازی در صورتی که فاقد شفافیت و نظارت دقیق باشد، به جای آنکه محرک توسعه باشد، خود به عاملی برای تولید نابرابری‌های عمیق، بی‌ثباتی‌های اجتماعی و تضییع حقوق عمومی بدل می‌گردد.

۱-۱-۲- افزایش نابرابری اقتصادی

اگرچه طرفداران خصوصی سازی با به کارگیری آن به دنبال اهدافی مانند افزایش بهره‌وری، کاهش بار مالی دولت، و تشویق رقابت هستند با این حال، آسیب‌های اقتصادی متعددی در پی به کارگیری آن در جوامع مختلف به‌ویژه ایران قابل ملاحظه است که یکی از آن‌ها افزایش نابرابری اقتصادی و اجتماعی است. خصوصی سازی بدون شفافیت یا نظارت مناسب ممکن است منجر به انتقال منابع و دارایی‌های دولتی به نفع گروه‌های محدودی شود. این موضوع می‌تواند باعث افزایش شکاف بین اقشار ثروتمند و فقیر و تمرکز مالکیت در دست گروه‌های خاص شود. در برخی موارد، خصوصی سازی منجر به کاهش تعداد کارکنان در بنگاه‌های خصوصی شده می‌شود. این امر خصوصاً در مناطق فقیرتر، جایی که فرصت‌های شغلی محدود است، به افزایش نابرابری کمک می‌کند و منجر به از دست رفتن فرصت‌های شغلی می‌شود. همچنین خصوصی سازی در بخش‌های حساس مانند آموزش و بهداشت، ممکن است خدمات را از دسترس گروه‌های کم‌درآمد خارج کند. در نتیجه، فقرا به خدمات با کیفیت پایین‌تر یا اصلاً بدون خدمات دسترسی خواهند داشت، در حالی که اقشار مرفه از خدمات ممتاز بهره‌مند می‌شوند و از این گذر، خصوصی سازی منجر به تفاوت در دسترسی به خدمات می‌گردد که جملگی این موارد موجب افزایش نابرابری‌ها در جامعه می‌گردند. برای مثال؛ در ایران، اجرای سیاست‌های خصوصی سازی در برخی موارد منجر به افزایش شکاف درآمدی شده است. مطالعه‌ای در این زمینه نشان می‌دهد که طی برنامه پنجم توسعه، شکاف درآمدی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ روندی افزایشی داشته و نابرابری‌های جغرافیایی در توزیع امکانات به چشم می‌خورد.^{۱۱}

۲-۱-۲- تضعیف اشتغال پایدار

یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی خصوصی سازی، کاهش اشتغال پایدار در بخش‌های واگذار شده است. این مسئله به‌ویژه زمانی رخ می‌دهد که اهداف خصوصی سازی تنها معطوف به سودآوری کوتاه‌مدت باشد، بدون آنکه توجه کافی به ابعاد اجتماعی

^{۱۱} - سپهر سید سجادی، مسعود جعفری نژاد و محمد کتابی، «ارزیابی اثرات منفی خصوصی سازی بر میزان فقر و شکاف درآمدی در برنامه پنجم توسعه»، دو فصلنامه علمی - تخصصی اقتصاد توسعه و برنامه ریزی، ۶(۲)، (۱۳۹۶).

و نیروی کار شود. پس از خصوصی سازی، مالکان جدید معمولاً با هدف افزایش بهره‌وری، به کاهش تعداد کارکنان می‌پردازند. این مسئله باعث می‌شود بسیاری از کارگران با ازدست‌دادن شغل خود مواجه شوند. در برخی موارد، خصوصی سازی باعث تغییر ماهیت اشتغال از وضعیت رسمی به غیررسمی می‌شود. این امر به معنای کاهش امنیت شغلی، مزایای رفاهی و حقوق بازنشستگی برای کارکنان است. همچنین شرکت‌های خصوصی شده ممکن است با تغییر در ساختارهای خود، از تمرکز بر اشتغال‌زایی به افزایش سود تغییر جهت دهند. این سیاست‌ها اغلب به هزینه نیروی کار تمام می‌شود. برای مثال در زامبیا خصوصی سازی شرکت ملی مس در دهه ۱۹۹۰ باعث بیکار شدن بیش از ۵۰ هزار کارگر شد که تأثیر مخربی بر اقتصاد محلی داشت.^{۱۲} در آرژانتین در دهه ۱۹۹۰، خصوصی سازی شرکت‌های خدمات عمومی مانند برق و گاز، منجر به اخراج بیش از ۷۰ هزار کارگر و افزایش فقر شد.^{۱۳} در ایران، خصوصی سازی برخی شرکت‌های پالایش نفت منجر به کاهش تعداد کارکنان و بی‌ثباتی اشتغال شده است. یکی از مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که پس از واگذاری، وضعیت اشتغال در این شرکت‌ها نسبت به گروه کنترل نامناسب‌تر بوده و عملکرد ضعیفی داشته‌اند.^{۱۴} در یکی از مطالعات صورت‌گرفته یافته‌ها نشان می‌دهد که بالاترین امتیاز در زمینه موانع خصوصی سازی پرستاران مربوط به نگرانی پرستاران درباره امنیت شغلی، فقدان مجموعه قوانین جامع برای توسعه بخش خصوصی در پرستاری و تبعیض قابل توجه بین پرسنل شرکتی با دیگران است.^{۱۵}

آسیب اقتصادی ازدست‌رفتن اشتغال پایدار و تغییر ماهیت شغل از رسمی به غیررسمی، پیوندی گسست‌ناپذیر با قربانیان مستقیم (کارگران) و قربانیان غیرمستقیم (خانواده‌ها) دارد. در سال‌های اخیر، با اجرای سیاست‌های خصوصی سازی در بخش‌های مختلف مانند صنعت نفت، فولاد و تولیدات خودرو، بسیاری از کارگران اخراج شدند. به طور خاص، کارخانه‌هایی کشت و صنعت مغان، کشت و صنعت هفت‌تپه، ماشین سازی تبریز، رشت الکتریک، نساجی مازندران، آلومینیوم المهدی، پالایشگاه کرمانشاه، فولاد خوزستان، کنتورسازی قزوین، هیکوی اراک، ماشین سازی اراک و بسیاری مجموعه صنعتی دیگر را می‌توان نمود بیرونی شکست خصوصی سازی دانست که بسیاری از مجموعه‌های واگذار شده را به سمت کاهش تولید و بهره‌وری، تعدیل بالغ بر ۵۰۰ هزار نیروی انسانی و حتی تغییر کاربری و تعطیلی کامل کشانده است.^{۱۶} یکی از اولین و مهم‌ترین آسیب‌ها، ازدست‌دادن درآمد است. کارگران اخراج‌شده، دیگر قادر به تأمین هزینه‌های روزمره خانواده‌های خود نیستند. این امر به‌ویژه برای خانواده‌های با تعداد اعضای زیاد یا وابسته به درآمد تنها نان‌آور بسیار آسیب‌زننده است. آثار زیان‌بار آن به صورت‌های مختلف از قبیل تغییر شیوه مصرف مواد غذایی توسط خانوارها، صرفه‌جویی در مخارج درمانی، بهداشتی، کاهش سطح سلامت جامعه، افزایش نوبت‌های کاری، اشتغال به کار کودکان، کاهش اوقات فراغت و آرامش خانواده‌ها، افزایش اختلافات خانوادگی، افزایش جرایم، کاهش دغدغه‌های اجتماعی، از بین رفتن همبستگی اجتماعی و به‌خطرات دادن امنیت اجتماعی پیش‌بینی می‌شود.^{۱۷}

^{۱۲}- Emma Lochery, Thomas McNamara, and James Musonda, "Subsidising Extraction: Care at Work in Zambia's Copper Mines" *Antipode*, (2024).

^{۱۳}- Marta NOVICK, Miguel LENGUEL and Mariana SARABIA, "From social protection to vulnerability: Argentina's neo-liberal reforms of the 1990s". *International Labour Review*, 148, (2009), 246.

^{۱۴}- امیررحیمی و دیگران، «بررسی وضعیت خصوصی سازی صنایع پالایش نفت ایران با رویکرد فازی»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۰ (۳۷)، (۱۳۹۹).

^{۱۵}- سحرخیز، حسین، و انوشه، منیره. (۱۳۹۴). «بررسی موانع خصوصی سازی در پرستاری». فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت پرستاری، ۴ (۴)، (۱۳۹۴)، ۲۵-۳۷.

^{۱۶}- «اخراج بیش از ۵۰۰ هزار کارگر در اثر خصوصی سازی»، ۱۳/۰۴/۱۴۰۱.

^{۱۷} <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۲۵۰۶۶۷>

^{۱۷}- شاهو رستگاری، اسدالله بابایی فرد و محسن نیازی، «درک تجربه ذی‌نفعان از فرایند خصوصی سازی در ایران»، جامعه شناسی کاربردی، ۳۵ (۱۴۰۳)، ۹۶.

۲-۱-۳- افزایش هزینه خدمات عمومی

یکی از پیامدهای مهم خصوصی‌سازی، افزایش قیمت خدمات عمومی برای مصرف‌کنندگان است. در بسیاری از موارد، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی باعث افزایش هزینه‌های خدماتی مانند آب، برق، حمل‌ونقل و سلامت شده است، زیرا شرکت‌های خصوصی تمایل دارند سود خود را افزایش دهند و از حمایت‌های اجتماعی که دولت‌ها معمولاً ارائه می‌دهند، برخوردار نیستند. این افزایش قیمت‌ها به‌ویژه اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه را متضرر کرده و به افزایش نابرابری اقتصادی منجر شده است. برای نمونه در آفریقای جنوبی، خصوصی‌سازی تأمین آب در دهه ۱۹۹۰ باعث افزایش ۳۰۰ درصدی هزینه‌های مصرف شد. این موضوع منجر به قطع دسترسی هزاران خانواده کم‌درآمد به آب آشامیدنی گردید و فقر را در مناطق حاشیه‌ای گسترش داد.^{۱۸} همچنین به‌موجب سیاست‌های خصوصی‌سازی آموزش، بسیاری از مدارس دولتی به مدارس غیرانتفاعی تبدیل شدند و هزینه تحصیل در آن‌ها به‌شدت افزایش یافت. دانشگاه‌های دولتی در سال‌های اخیر، بسیاری از دانشگاه‌های دولتی، ظرفیت پذیرش دانشجویان روزانه را کاهش داده و به دوره‌های شهریه‌ای شبانه و پردیس‌های خودگردان وابسته شده‌اند. شهریه برخی از دانشگاه‌های برتر کشور به سالانه ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان رسیده است.^{۱۹} در مثالی دیگر، طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۱، خصوصی‌سازی صنایع برق کشور نه تنها گرگشا نبوده‌است. مصداق عینی آن واگذاری یکی از نیروگاه‌های کشور است که پس از واگذاری، وزارت نیرو ناچار بود برای خرید یک‌سال برق از همین نیروگاه ۴۰۰، ۶۰۰ میلیارد ریال پرداخت کند (بعد از سال ۸۹ و شروع خصوصی‌سازی‌ها). شایان به ذکر است که هزینه سالیانه این نیروگاه پیش از واگذاری در حدود ۱۰۰، ۱۲۰ میلیارد ریال بوده است که نشان از رشد فزاینده هزینه توسط بخش خصوصی دارد که براساس قانون مصوب هم، خریدار بخش خصوصی باید بهای خرید نیروگاه را مستقیماً از طریق سازمان خصوصی‌سازی به خزانه کل کشور واریز کند و این درحالی است که وزارت نیرو برای خرید برق تولیدی از همین نیروگاه‌ها باید هزینه گزافی بپردازد (به‌طور یارانه). این در حالی است که پیش از واگذاری نیروگاه‌ها در سال ۸۹ هزینه تولید هر کیلووات‌ساعت برق برای وزارت نیرو کمتر از ۴۰ ریال بوده درحالی که پس از واگذاری این رقم به ۲۲۰ ریال افزایش یافته است و تقریباً ۵ برابر شده که نیازمند هزینه‌کرد بیشتری از طرف دولت و ملت است.^{۲۰}

درحالی که باید توجه داشت که ارائه عمومی خدمات و کالاهای ضروری جامعه، بخشی سازنده از خود جامعه است. وقتی جامعه‌ای درکی مشترک از نیازهای شهروندانش پیدا کند، موظف است کالا و خدمات ضروری را بر اساس نیاز توزیع کند، نه توان پرداخت.^{۲۱} به هر روی، افزایش شکاف طبقاتی و افزایش اعتراض‌های مردمی و کاهش رفاه عمومی از پیامدهای بارز این افزایش هزینه خدمات برای مصرف‌کنندگان در کشورهای مختلف از جمله ایران بوده است.

۲-۱-۴- تضعیف منابع عمومی

^{۱۸} - Narsiah sagie, "Discourses of privatisation: the case of South Africa's water sector". *Development Southern Africa*, (۲۰۰۸), ۱, 24.

^{۱۹} - «افزایش حدود ۴۵ درصدی شهریه‌های مدارس غیر دولتی در سال جاری»، ۱۴۰۳/۰۳/۳۰،

isna.ir/xdRmdh

«نگاهی به شهریه های سرسام آور مدارس غیردولتی»، ۱۴۰۴/۰۵/۱۴،

<https://www.asriran.com/fa/news/1082913/>

^{۲۰} - میرزایی نژاد، محمدرضا. «گزارش طرح پژوهشی تدوین ضوابط و مقررات خاص جهت خصوصی سازی نیروگاه ها و تشویق سرمایه گذاران و حفظ حقوق آنان». (e4345). ماهنامه گزارش های کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۱)، ۲۰ (۶۰)، ۱۹، الی ۲۲.

^{۲۱} - Elodie Bertrand, Vida Panitch, *THE ROUTLEDGE HANDBOOK OF COMMODIFICATION*, (London: ROUTLEDGE, 2024), 190.

خصوصی‌سازی بدون برنامه‌ریزی مناسب و نظارت کافی می‌تواند به تضعیف منابع عمومی منجر شود. در ایران، اجرای نادرست این سیاست در برخی صنایع، به‌ویژه در دهه ۹۰، باعث تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری گسترده شده است. در تحلیل ابعاد آسیب خصوصی‌سازی به منابع عمومی باید گفت که در فرایند خصوصی‌سازی، منابع عمومی همچون زیرساخت‌های صنعتی، کشاورزی، یا انرژی ممکن است به دلیل مدیریت ناکارآمد بخش خصوصی دچار افت کیفیت یا تخریب شوند که این موضوع منجر به تضعیف زیرساخت‌های ملی می‌گردد.^{۲۲} همچنین در برخی موارد، دارایی‌های عمومی به قیمتی کمتر از ارزش واقعی خود واگذار می‌شوند. این امر به اتلاف منابع ملی و کاهش توانایی دولت در تأمین منافع عمومی منجر می‌شود. در مواردی که خصوصی‌سازی شامل بخش‌هایی نظیر بهداشت، آموزش یا حمل‌ونقل عمومی باشد، ممکن است دسترسی به این خدمات برای اقشار کم‌درآمد کاهش یابد و کیفیت آن افت کند و در پایان خصوصی‌سازی غیرشفاف می‌تواند به تخریب اعتماد عمومی به دولت و نهادهای حاکمیتی منجر شود.^{۲۳} این مسئله اغلب در کشورهایی رخ می‌دهد که ساختارهای نظارتی ضعیف‌اند این موضوع باعث می‌شود که خدمات عمومی که پیش از این برای تمامی افراد در دسترس بود، تنها برای افرادی که توان مالی دارند قابل استفاده باشد. در نتیجه، بخش بزرگی از جمعیت، به‌ویژه در مناطق فقیرتر، از خدماتی عمومی خصوصی شده محروم می‌شوند. برای مثال، با خصوصی‌سازی مدارس و افزایش تعداد مدارس غیردولتی، سهم خانواده‌ها از هزینه‌های آموزشی افزایش یافته است. این امر منجر به کاهش دسترسی خانواده‌های کم‌درآمد به آموزش باکیفیت شده است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سهم هزینه‌های آموزشی از درآمد خانوارها در ایران به دو برابر میانگین جهانی رسیده است.^{۲۴}

در پایان باید گفت که از منظر زیست‌محیطی، آسیب اقتصادی خصوصی‌سازی در اینجا نه فقط در کاهش اشتغال یا افزایش قیمت خدمات، بلکه در پیوند میان این پیامدها معنا می‌یابد: واگذاری غیرشفاف ابتدا دارایی عمومی را از حوزه منفعت جمعی خارج می‌کند، سپس با تعدیل نیرو و غیررسمی‌سازی کار، هزینه آن را به کارگر و خانواده منتقل می‌سازد و در ادامه با گران شدن آموزش، درمان و خدمات عمومی، امکان جبران این زیان را نیز از همان گروه‌ها می‌گیرد؛ بنابراین قربانی خصوصی‌سازی فقط فرد بیکار نیست، بلکه خانواری است که هم‌زمان درآمد، امنیت شغلی، سلامت، آموزش و منزلت اجتماعی خود را از دست می‌دهد. نقد اصلی آن است که این سیاست در عمل زیان را عمومی و منفعت را خصوصی می‌کند و همین امر آن را به نمونه‌ای از آسیب ساختاری قابل‌پیشگیری تبدیل می‌سازد، بنابراین معیار ارزیابی واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی خدمات باید آثار واقعی آن بر معیشت و دسترسی عمومی باشد، نه صرفاً سودآوری بنگاه.

۲-۲- آسیب‌های اجتماعی

خصوصی‌سازی نه تنها بر اقتصاد بلکه بر ساختارهای اجتماعی و رفاه جمعی نیز تأثیرات منفی گسترده‌ای دارد. در این بند، خصوصی‌سازی از خلال پیامدهای اجتماعی آن خوانده می‌شود؛ جایی که کاهش دسترسی به خدمات عمومی، فقط یک دشواری معیشتی باقی نمی‌ماند و به تدریج به محرومیت‌های پایدارتر می‌انجامد. تداوم این وضعیت، احساس کنار گذاشته شدن و

^{۲۲} - فرید فیاض‌منش و علی رنجبرکی، «اثر خصوصی‌سازی خدمات عمومی بر کارایی اقتصادی و درآمد دولت»، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، (۲)، (۱۳۹۶)، ۱۴۳-۱۶۸.

^{۲۳} - حسین رضایی و دیگران، «تحلیل تأثیر خصوصی‌سازی بر توسعه بازار سهام در ایران»، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، (۱۳)، (۱۳۹۰)، ۹۷-۱۱۲.

^{۲۴} - فرید فیاض‌منش و علی رنجبرکی، «اثر خصوصی‌سازی خدمات عمومی بر کارایی اقتصادی و درآمد دولت»، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، (۲)، (۱۳۹۶)، ۱۴۳-۱۶۸.

گسست پیوندهای اجتماعی را تشدید می کند و سرانجام، خود را در سیمای فقر، ناامنی روانی و آسیب های زیستی - روانی آشکار می سازد. بدین ترتیب، آنچه در ظاهر یک تغییر اقتصادی است، در عمل به تجربه ای انباشته از رنج اجتماعی تبدیل می شود.

۲-۲-۱- کاهش دسترسی به خدمات عمومی و محرومیت ساختاری

خصوصی سازی، به ویژه در بخش های حساس مانند آموزش، بهداشت و خدمات عمومی، می تواند تأثیرات گسترده ای بر دسترسی اقشار مختلف جامعه به این خدمات داشته باشد. خصوصی سازی معمولاً با هدف کاهش هزینه های دولت و افزایش کارایی انجام می شود، اما در عمل، شرکت های خصوصی به دلیل جلب سود بیشتر، هزینه های خدمات را افزایش می دهند. این افزایش هزینه ها به ویژه برای اقشار کم درآمد که از نظر مالی تحت فشار هستند، می تواند باعث شود که آنها از دسترسی به خدمات مورد نیاز خود باز بمانند. در فرایند خصوصی سازی، برخی خدمات به طور کامل به بخش خصوصی واگذار می شوند که ممکن است کیفیت پایین تری نسبت به خدمات دولتی داشته باشند. این موضوع باعث می شود که خدمات عمومی که پیش از این برای تمامی افراد در دسترس بود، تنها برای افرادی که توان مالی دارند قابل استفاده باشد. در نتیجه، بخش بزرگی از جمعیت، به ویژه در مناطق فقیرتر، از خدماتی عمومی خصوصی شده محروم می شوند.

جوامع در معرض آسیب از اصلی ترین قربانیان اجتماعی این وضعیت هستند. این جوامع، شامل اقشار کم درآمد، ساکنان مناطق محروم، افراد دارای معلولیت، سالمندان و گروه های حاشیه نشین هستند که به طور ویژه تحت تأثیر سیاست های خصوصی سازی قرار می گیرند. این جوامع که به شدت به خدمات دولتی وابسته هستند، پس از خصوصی سازی به دلیل افزایش هزینه های خدمات اساسی، کاهش کیفیت خدمات عمومی، حذف یارانه ها، و کاهش فرصت های شغلی با مشکلات گسترده ای مواجه می شوند.^{۲۵} افزایش هزینه های خدمات بهداشتی و آموزشی مردم جوامع ضعیف، کاهش فرصت شغلی پایدار و به دلیل زندگی این جوامع در مناطق حاشیه نشین و استفاده از این محله ها برای گسترش و توسعه بخش خصوصی علاوه بر آسیب های محیط زیستی موجب در خطر افتادن زیست بوم و اقامتگاه مردمان این جوامع می شود علاوه بر آنکه به دلیل فعالیت شرکت های خصوصی آلودگی های حاصل از آن در مناطق هم جوار با زیست بوم جوامع حاشیه نشین موجب افزایش تهدیدات سلامتی و بیماری های ناشی از آلودگی هوا و محیط برای ایشان می شود.^{۲۶}

دانش آموزان دهک های پایین و بیماران فاقد توان مالی، مصادیق ملموس قربانیان از جوامع آسیب پذیر هستند که به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه های فزاینده، از چرخه برخورداری حذف می شوند. طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس (۱۳۹۹)، با افزایش سهم مدارس غیردولتی، هزینه های آموزشی در سبد خانوار ایرانی به دو برابر میانگین جهانی رسیده است که این امر مستقیماً «حق بر آموزش» را برای اقشار کم درآمد سلب کرده و آنان را به قربانیان فقر آموزشی بدل می سازد.^{۲۷}

همچنین بنا بر آمار در دسترس طی پژوهش های صورت گرفته، تعداد دانش آموزان ترك تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ برابر با ۲۰۳/۳۴۷ نفر بوده که با کاهش ۶/۱۹ درصدی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به عدد ۲۷۹/۰۱۹ رسیده است. تعداد

^{۲۵} - "The Impact of Reliance on Private Sector Health Services on the Right to Health", 16.8.20.16, <https://www.hhrjournal.org/2014/07/01/the-impact-of-reliance-on-private-sector-health-services-on-the-right-to-health/>

^{۲۶} - سامان قادری، رامین امانی و مهرداد امینی، «تحلیل و بررسی تأثیر خصوصی سازی بر آلودگی محیط زیست در ایران: کاربرد روش TVP-VAR»، پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۳(۲)، (۱۴۰۲)، ۳۱.

^{۲۷} - فرید فیاض منش و علی رنجبرکی، «اثر خصوصی سازی خدمات عمومی بر کارایی اقتصادی و درآمد دولت»، نظریه های کاربردی اقتصاد، ۲۴(۱۳۹۶)، ۱۴۳-۱۶۸.

کل افراد بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ برابر ۷۷۷/۸۶۲ نفر است که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ با ۲۶ درصد رشد به ۹۱۱/۲۷۲ نفر افزایش یافته است. استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان، آذربایجان غربی و کرمان به ترتیب دارای بیشترین آمار تارکان از تحصیل در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ هستند که اکثریت استان‌ها با وضعیت ضعیف درآمدی و محدودیت در دسترسی به مدارس دولتی مواجه هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که خانوارهایی که در دهک‌های پایین، فاقد بیمه، فقیر، فاقد درآمد ثابت و... هستند بیشتر در معرض بازماندگی از تحصیل قرار دارند.^{۲۸}

در تحقیقات صورت گرفته در خصوص نابرابری دسترسی به خدمات سلامت حاصل از افزایش برون سپاری و خصوصی سازی در ایران ملاحظه می‌شود که وضعیت دسترسی به خدمات سلامت در استان‌های ایران نابرابری آشکاری را نشان می‌دهد؛ به طوری که در استان‌های خراسان شمالی، خوزستان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان در سطح بسیار پایینی قرار دارد. به طور کلی می‌توان گفت وضعیت دسترسی به خدمات سلامت در استان‌های مرزی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که فرصت‌های دستیابی به منابع حوزه سلامت به طور ناعادلانه‌ای توزیع شده است و شکاف عمیقی در میان مناطق وجود دارد.^{۲۹}

تحلیل زیملوژیک نشان می‌دهد که وقتی دولت از وظیفه خود در ارائه خدمات باکیفیت عقب‌نشینی می‌کند، نوعی «تبعیض نهادینه‌شده» شکل می‌گیرد. در اینجا، قربانیان صرفاً از یک خدمت محروم نمی‌شوند، بلکه با کالاهای شوم آموزش و سلامت، کیفیت زندگی و امکان تحرک طبقاتی آنان برای نسل‌های متمادی تخریب می‌شود. این وضعیت به معنای انتقال بار مالی دولت به دوش ضعیف‌ترین اقشار جامعه است که منجر به سقوط آنان به زیر خط فقر مطلق می‌گردد.

۲-۲-۲- فرسایش همبستگی اجتماعی و بازتولید انزوای ساختاری

کاهش همبستگی اجتماعی به‌عنوان یکی از پیامدهای منفی خصوصی‌سازی در جوامع مختلف شناخته شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف همبستگی اجتماعی، افزایش نابرابری‌های اقتصادی است که به طور مستقیم با خصوصی‌سازی مرتبط است. هنگامی که بخش‌های دولتی مانند آموزش، بهداشت، و خدمات عمومی به بخش خصوصی واگذار می‌شوند، معمولاً هدف این است که این بخش‌ها کارآمدتر شوند، اما این امر ممکن است به افزایش قیمت‌ها و کاهش دسترسی به این خدمات برای اقشار کم‌درآمد منجر شود. قشرهای فرودست تر به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور آموزش عالی خصوصی یا کمبود زیرساخت‌ها از ورود به مشاغل با درآمد بالا بازماندند. این امر، موجب ایجاد یک که احساس بی‌عدالتی ساختاری را به جای رقابت سالم، تقویت کرد و حس تعلق به یک مسیر مشترک ملی را از بین برد.^{۳۰} این امر باعث می‌شود که شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر شود و در نتیجه همبستگی اجتماعی ضعیف شود. با خصوصی‌سازی و کاهش دسترسی به خدمات عمومی، گروه‌های مختلف جامعه ممکن است احساس کنند که از فرایندهای اقتصادی و اجتماعی جامعه کنار گذاشته شده‌اند. این

^{۲۸} - بیات، موسی و محمدرضا ملاشاهی، «بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش و پرورش (سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱)»، دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۴۰۱)، ۷ و ۱۴.

^{۲۹} - محمد رضا رضوانی و دیگران، «بررسی وضعیت نابرابری و بی‌عدالتی در شاخص‌های سلامت و تعیین‌کننده‌های اجتماعی آن در ایران»، فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه‌ای، (۱۴۰۱)، ۱۲، (۴۸)، ۱-۱۴.

^{۳۰} - قادری ریحانه و دیگران، «نقش شکاف طبقاتی در تضعیف همبستگی ملی؛ بررسی روندهای اجتماعی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۸)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۵، (۲)، (۱۴۰۴)، ۷۲.

احساس نابرابری و محرومیت می‌تواند باعث ایجاد احساس بیگانگی در میان اقشار مختلف جامعه شود و افراد به‌جای همبستگی اجتماعی، به طور فردی به حل مشکلات خود پرداخته و در نتیجه تضعیف همبستگی اجتماعی را شاهد باشیم.

خصوصی‌سازی با تعمیق شکاف‌های طبقاتی، همبستگی اجتماعی را که ضامن ثبات یک جامعه است، از بین می‌برد. در این بستر، حاشیه‌نشینان شهری و طبقه متوسط در حال سقوط، قربانیان احساس بیگانگی و طرد اجتماعی هستند. وقتی فضاهای شهری و خدمات عمومی خصوصی می‌شوند، گروه‌های محروم احساس می‌کنند که از قرارداد اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند. از منظر آسیب‌شناختی، این «احساس نادیده‌گرفته‌شدن»، اعتماد عمومی را به کل نظام حاکمیتی سلب می‌کند. در واقع، خصوصی‌سازی با تشویق فردگرایی مفرط و رقابت بر سر منابع محدود، «جامعه» را به مجموعه‌ای از افراد منزوی تبدیل می‌کند که در آن، قربانیان (اقشار آسیب‌پذیر) به‌جای برخورداری از حمایت جمعی، در مواجهه با بحران‌های اقتصادی تنها رها می‌شوند. این وضعیت، بستر ساز بروز خشم نهفته و اعتراضات اجتماعی است که خود نوعی آسیب ثانویه محسوب می‌شود.

۲-۲-۳- افزایش آسیب‌های روانی

خصوصی‌سازی، به‌ویژه در بخش‌های کلیدی مانند آموزش، بهداشت، و خدمات عمومی، می‌تواند به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و بروز آسیب‌های روانی در جامعه منجر شود. این اثرات عمدتاً ناشی از کاهش دسترسی اقشار کم‌درآمد به خدمات پایه، افزایش هزینه‌های زندگی، و فشارهای روانی مرتبط با ناپایداری اقتصادی است. این سیاست‌ها «امنیت روانی» جامعه را هدف قرار می‌دهند. بیکاری ناشی از واگذاری‌های ناموفق (مانند نساجی مازندران یا هپکو)، کارگران و خانواده‌هایشان را با تروماهایی نظیر افسردگی، اضطراب مزمن و احساس بی‌ارزشی مواجه می‌سازد که آثار آن در قالب آسیب‌های ثانویه مانند خشونت خانگی و اعتیاد نمایان می‌شود. افزون بر این، ناامنی شغلی و بی‌ثباتی ناشی از واگذاری‌های ناموفق، کارگران را در معرض فشارهای روانی مستمر دیگری قرار می‌دهد؛ فشاری که در قالب اضطراب، افسردگی، اختلال خواب، کاهش تمرکز، فرسودگی روانی و احساس درماندگی بروز می‌کند.

در همین راستا، سازمان جهانی بهداشت تصریح می‌کند که محیط‌های کاری همراه با تبعیض، نابرابری، کنترل پایین بر کار و ناامنی شغلی، از مهم‌ترین عوامل خطر برای سلامت روان هستند و می‌توانند به بروز یا تشدید اختلالات روانی منجر شوند^{۳۱}. از سوی دیگر، با عنایت به پژوهش‌های صورت گرفته نیز، ناامنی شغلی به‌مثابه عاملی شناخته شده است که هم در سطح کمی، یعنی ترس از دست دادن شغل، و هم در سطح کیفی، یعنی نگرانی از افت دستمزد، مزایا و شرایط کار، سلامت روان را تهدید می‌کند^{۳۲}. در مورد ایران نیز پژوهش‌های مربوط به خصوصی‌سازی، هرچند کمتر به‌طور مستقیم سلامت روان را سنجیده‌اند، اما نشان داده‌اند که امنیت شغلی پس از واگذاری‌ها در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و به‌ویژه در کوتاه‌مدت، کارگران با ابهام و بی‌ثباتی بیشتری مواجه می‌شوند. بر این اساس، خصوصی‌سازی از طریق تضعیف ثبات شغلی و گسترش قراردادهای موقت و پیمانکاری، فقط یک تغییر اقتصادی نیست، بلکه سازوکاری برای تولید ناامنی روانی و فرسایش آرام سلامت ذهنی نیروی کار است؛ وضعیتی که در سطح خانواده نیز به تنش، انزوا، کاهش کیفیت روابط و تشدید احساس بی‌پناهی می‌انجامد و در واقع «آسیب زیستی - روانی» است که از طریق سیاست‌های کلان بر بدنه جامعه تحمیل شده و قربانیان را در چرخه‌ای از محرومیت و ناامیدی گرفتار

^{۳۱} -Mental health at work, 07/20/2026 :<https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/mental-health-at-work>

^{۳۲} -کیومرثی، مجتبی (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت امنیت شغلی نیروی کار در پرتو خصوصی‌سازی»، ماهنامه علمی-تحلیلی کار و جامعه، (۱۳۹۱)، ۱۵۲، ص ۵۰ و ص ۶۱.

می‌کند که راه خروج از آن بدون مداخله حمایتی دولت غیرممکن است. در یکی از مطالعات صورت گرفته یافته‌ها نشان می‌دهد عدم پرداخت حقوق و مزایای کارکنان یا کارگران برابر با قانون کار توسط پیمانکاران پس از خصوصی سازی از آسیب های شغلی فعالان حوزه سلامت محسوب می‌شود که موجب آسیب های روانی جدی در کنار آسیب های اقتصادی می‌شود.^{۳۳}

برآیند این سه سطح نشان می‌دهد که خصوصی سازی، هنگامی که بدون تضمین های حمایتی و ملاحظات عدالت محور پیش می‌رود، به سازوکاری برای توزیع نابرابر آسیب بدل می‌شود. در این وضعیت، زیان تنها در قالب افزایش هزینه یا کاهش کیفیت خدمات ظاهر نمی‌شود، بلکه به صورت محرومیت پایدار، فرسایش پیوندهای اجتماعی و تشدید آسیب های روانی و معیشتی بازتولید می‌شود. بدین ترتیب، قربانیان این فرایند نه بر اثر یک رخداد ناگهانی، بلکه در نتیجه ترتیباتی تدریجی و نهادینه در معرض رنج قرار می‌گیرند. از منظر زیولوژی، اهمیت مسئله در آن است که این زیان ها غالباً عادی سازی می‌شوند و در پوشش کارایی، اصلاح یا واگذاری از دید پنهان می‌مانند. از همین رو، خصوصی سازی در اینجا نه یک تصمیم اقتصادی خنثی، بلکه شکلی از سازمان دهی اجتماعی آسیب است که بار اصلی آن بر دوش گروه های فرودست و کمتر برخوردار قرار می‌گیرد. بر این اساس، هر سیاست خصوصی سازی باید پیش از اجرا و در جریان اجرا، به طور الزامی از حیث آثار اجتماعی، توزیع نابرابر زیان و پیامدهای آن برای گروه های آسیب پذیر ارزیابی و مهار شود.

۳- آسیب های زیست محیطی و سیاسی

تحلیل پیامدهای خصوصی سازی نشان می‌دهد که این سیاست با تعمیم منطق بازار به دارایی های اشتراکی، سازوکارهای زیست محیطی و سیاسی جامعه را دگرگون می‌کند. در بعد زیست محیطی، تقدم سودآوری بر پایداری، عملاً هزینه های تخریب منابع و آلودگی را بر دوش جوامع محلی و نسل های آینده سرشکن می‌سازد. این فرایند با فرسایش مرز میان منافع عمومی و خصوصی، به تقلیل پاسخگویی نهادی و حاشیه نشینی گروه های فرودست می‌انجامد. این تغییرات، بستر آسیب زا جدیدی را شکل می‌دهند که فراتر از مفاهیم سنتی جرم، نیازمند واکاوی ساختاری است. بر همین اساس، در ادامه ی این نوشتار به واکاوی تفصیلی این دو پیامد، یعنی آسیب های زیست محیطی و سیاسی حاصل از خصوصی سازی پرداخته خواهد شد.

۳-۱- آسیب های زیست محیطی

خصوصی سازی در حوزه محیط زیست زمانی آسیب زا می‌شود که منابع طبیعی، صنایع آلاینده، خدمات عمومی زیست محیطی یا زیرساخت های انرژی به منطق سودآوری کوتاه مدت سپرده شوند، بی آنکه سازوکارهای نظارت عمومی، پاسخ گویی زیست محیطی و جبران خسارت به درستی عمل کنند. در چنین وضعیتی، محیط زیست از یک خیر عمومی به منبعی برای استخراج سود تبدیل می‌شود و هزینه های واقعی فعالیت های اقتصادی، نه بر دوش شرکت های بهره بردار، بلکه بر بدن، معیشت و آینده جوامع انسانی تحمیل می‌گردد. از منظر زیولوژیک، آسیب زیست محیطی صرفاً نابودی جنگل، آلودگی آب یا انتشار گازهای گلخانه ای نیست، بلکه نوعی آسیب اجتماعی ساختاری است که قربانیان آن در سطوح مختلف پدیدار می‌شوند: کشاورزان و دامداران محروم شده از منابع طبیعی، ماهیگیران زیان دیده از آلودگی آب ها، ساکنان مناطق صنعتی گرفتار بیماری های تنفسی، کودکان

^{۳۳} - وحید راثی و دیگران، «چالش های برون سپاری ارائه خدمات سلامت به بخش خصوصی از دیدگاه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد: یک مطالعه

کیفی». فصلنامه تأمین اجتماعی، (۱۳۹۷)، ۱۴(۳)، ۱۱۷-۱۳۴، ۱۲۵.

و نسل‌های آینده، جوامع بومی و دورافتاده، و حتی فعالان محیط‌زیست که به دلیل اعتراض به تخریب منابع عمومی با فشار، تهدید یا حذف از فرایند تصمیم‌گیری مواجه می‌شوند.

براین اساس، آسیب‌های زیست‌محیطی خصوصی‌سازی و قربانیان آن را می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: تخریب منابع طبیعی، آلودگی محیط‌زیست و تشدید تغییرات اقلیمی. هر یک از این محورها نه تنها دارای پیامدهای اکولوژیک‌اند، بلکه قربانیان انسانی و اجتماعی مشخصی نیز تولید می‌کنند که باید در تحلیل زیملوژیک موردتوجه قرار گیرند.

۳-۱-۱- تخریب منابع طبیعی

خصوصی‌سازی می‌تواند به آسیب‌های جدی زیست‌محیطی منجر شود. تخریب منابع طبیعی، یکی از نتایج ناخواسته این سیاست است، زیرا بخش خصوصی اغلب اولویت خود را بر سودآوری کوتاه‌مدت می‌گذارد و به حفاظت از محیط‌زیست توجه کمتری می‌کند. بخش خصوصی به دلیل سودمحوری، تمایل به بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی دارد. این امر منجر به کاهش کیفیت و کمیت منابع طبیعی نظیر آب، خاک، و جنگل‌ها می‌شود. برای نمونه در اندونزی، خصوصی‌سازی جنگل‌ها به شرکت‌های چوب‌بری منجر به تخریب گسترده جنگل‌های بارانی شده است.^{۳۴} هنگامی که منابع طبیعی به بخش خصوصی واگذار می‌شود، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی اغلب تحت‌الشعاع کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری قرار می‌گیرد. دولت‌ها نیز ممکن است به دلیل کاهش نظارت پس از واگذاری، نتوانند به طور مؤثر این استانداردها را اعمال کنند. برای نمونه در پروژه‌های خصوصی‌سازی صنایع نفت و گاز، آلودگی منابع آب زیرزمینی در استان‌های جنوبی کشور، به دلیل دفع نامناسب پسماندهای صنعتی، بارها گزارش شده است.^{۳۵}

از منظر زیملوژیک، نخستین قربانیان تخریب منابع طبیعی، جوامع محلی وابسته به طبیعت هستند؛ یعنی کشاورزان، دامداران، ماهیگیران، روستاییان، عشایر و جوامع بومی که زیست و معیشت آنان مستقیماً به آب، خاک، جنگل، مرتع و دریا وابسته است. خصوصی‌سازی منابع آب یا زمین‌های کشاورزی ممکن است دسترسی تاریخی این گروه‌ها به منابع حیاتی را محدود کند و آنان را از چرخه تولید سنتی و محلی بیرون براند.

در حوزه دریا و رودخانه‌ها نیز، ماهیگیران محلی از قربانیان مستقیم تخریب منابع طبیعی‌اند. ورود پساب‌های صنعتی، گسترش صنایع پتروشیمی، توسعه بنادر خصوصی، بهره‌برداری تجاری از سواحل و کاهش کیفیت آب می‌تواند ذخایر آبزیان را کاهش دهد و معیشت ماهیگیران را نابود کند.

برای مثال در سال ۱۴۰۱، حدود ۴۰ درصد از پساب‌های صنعتی وارد شده به خلیج فارس و دریای عمان، مربوط به صنایع پتروشیمی بوده است. این رقم معادل ۴۰ میلیون مترمکعب پساب سمی در سال است. در سال ۱۴۰۱، بیش از ۱۰۰ مورد مرگ دسته‌جمعی ماهی‌ها در سواحل خلیج فارس گزارش شده است که علت اصلی آن، مسمومیت ناشی از آلودگی آب بوده است.^{۳۶}

^{۳۴}-Trase : Indonesian palm oil exports and deforestation, 10.11.2025, <https://www.sei.org/features/indonesian-palm-oil-exports-and-deforestation/>

^{۳۵}- مجید عباس نیا و دیگران، «مدیریت و طبقه‌بندی پسماندهای پالایشگاه نفت شیراز بر اساس کنوانسیون بازل»، نشریه علمی محیط زیست و توسعه، ۱۱(۲۲)، (۱۳۹۹)، ۳۴.

^{۳۶}- «تخلیه پساب‌های پتروشیمی به دریا؛ زنگ خطر فاجعه زیست‌محیطی»، ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

گروه دیگر قربانیان، جوامع بومی و ساکنان مناطق جنگلی و دورافتاده هستند. تجربه‌هایی مانند واگذاری جنگل‌ها به شرکت‌های چوب‌بری در برخی کشورها نشان داده است که بهره‌برداری تجاری از جنگل‌ها می‌تواند به جنگل‌زدایی، نابودی تنوع زیستی، فرسایش خاک و جابه‌جایی اجباری جوامع بومی منجر شود. برای نمونه در اندونزی، خصوصی‌سازی جنگل‌ها برای تولید روغن نخل باعث شده است که بسیاری از بومیان این مناطق مجبور به ترک سرزمین‌های خود شوند همچنان که خصوصی‌سازی جنگل‌ها و در اختیار قراردادن آن به شرکت‌های چوب‌بری منجر به تخریب گسترده جنگل‌های بارانی شده است.^{۳۷}

در تخریب منابع طبیعی، آسیب نه فقط متوجه خاک، آب و جنگل، بلکه متوجه گروه‌هایی است که زندگی آنان به این منابع گره خورده است. خصوصی‌سازی، با تبدیل طبیعت به منبع سود، قربانیانی تولید می‌کند که اغلب در حقوق کیفری سنتی دیده نمی‌شوند: روستاییان، ماهیگیران، بومیان و نسل‌های آینده. از منظر زیملوژیک، این وضعیت نوعی سلب حق زیست‌محیطی است؛ یعنی محروم‌سازی تدریجی انسان‌ها از شرایط مادی لازم برای زندگی سالم و پایدار.

۳-۱-۲-آلودگی محیط زیست

خصوصی‌سازی، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انرژی، صنایع سنگین، معدن و مدیریت پسماند، اغلب با کاهش تعهدات زیست‌محیطی و افزایش آلودگی همراه است. این پدیده ناشی از تمرکز بخش خصوصی بر کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری کوتاه‌مدت است که در غیاب نظارت مؤثر دولتی، اثرات مخربی بر محیط‌زیست دارد. بخش خصوصی معمولاً برای کاهش هزینه‌ها، از رعایت استانداردهای زیست‌محیطی صرف‌نظر می‌کند. برای نمونه در روسیه، در سال ۲۰۲۰، فروریختن یک مخزن سوخت در نیروگاهی در نزدیکی شهر نوریل‌سک، منجر به نشت گسترده سوخت و آلودگی شدید رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در مناطق قطبی شد و یکی از بدترین حوادث زیست‌محیطی در این مناطق محسوب می‌شود.^{۳۸}

قربانیان این وضعیت افرادی هستند که در نزدیکی مناطق صنعتی خصوصی شده زندگی می‌کنند و با افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی مانند انتشار گازهای سمی، پساب‌های شیمیایی، و آلودگی صوتی مواجه می‌شوند. ساکنان مناطق شهری که با کاهش کیفیت هوا و آب مواجه هستند، به‌ویژه در شهرهایی که نیروگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، و پالایشگاه‌های خصوصی فعالیت دارند. خصوصی‌سازی پالایشگاه‌های نفتی در خوزستان باعث افزایش آلودگی هوا و افزایش بیماری‌های تنفسی در اهواز شده است.^{۳۹} در هند، پس از خصوصی‌سازی صنایع شیمیایی در شهر بوپال، نشت گاز متیل ایزوسیانات در سال ۱۹۸۴ منجر به فاجعه‌ای زیست‌محیطی شد که جان هزاران نفر را گرفت.^{۴۰}

³⁷-"Trase: Indonesian palm oil exports and deforestation", 10.12.2025, <https://www.sei.org/features/indonesian-palm-oil-exports-and-deforestation/>

³⁸-Sankaran Rajendran et al. "Monitoring oil spill in Norilsk, Russia using satellite data". *Sci Rep*, ۱۱, ۳۸۱۷ (۲۰۲۱). 1-20.

^{۳۹}-«صنعت نفت در خوزستان، چالش‌های توسعه در سایه آلودگی و بی‌عدالتی»، ۱۴۰۳/۱۰/۲۹،

<https://www.asriran.com/fa/news/۱۰۳۰۶۵۶/>

^{۴۰}-«بررسی کامل حادثه بوپال هند، عامل اصلی چه بود؟»، ۱۴۰۳/۰۳/۲۶،

<https://chemisan.ir/bhopal-incident-india/>

«۴۰ سال پس از فاجعه نشت گاز سمی در «بوپال» هند؛ ضایعات خطرناک از کارخانه منتقل شدند»، ۱۴۰۳/۱۰/۱۴،

<https://www.isna.ir/news/1403101410161>

دیگر گروه قربانیان کودکانی‌اند که در مناطق آلوده متولد می‌شوند و در معرض بیماری‌های ناشی از آلودگی قرار دارند. نسل‌هایی که در آینده با کمبود منابع طبیعی مانند آب، خاک حاصلخیز، و جنگل‌ها مواجه خواهند شد. آلودگی گسترده در استان‌های خوزستان باعث شده است که کودکان این مناطق نرخ بالایی از بیماری‌های تنفسی و پوستی داشته باشند^{۴۱}. در پژوهشی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن به اثرات بین‌نسلی آلودگی هوا پرداخت که بر اساس این مطالعه، در سال ۲۰۲۰، قرار گرفتن مادران در معرض سطوح بالاتر آلودگی هوا، بر احتمال رفتن نوه‌های آنها به دانشگاه در ۴۰ سال بعد تأثیر می‌گذارد. نوزادانی که در معرض سطوح بالاتری از آلودگی هوا قرار دارند، در معرض آسیب‌های طولانی‌مدت به سلامت و رفاه خود هستند^{۴۲}. کودکانی که در رحم مادر در معرض سطوح بالاتری از آلودگی هوا قرار دارند، در معرض آسیب‌های طولانی‌مدت به سلامت و رفاه خود هستند. در چین، خصوصی‌سازی صنایع زغال‌سنگ باعث آلودگی گسترده منابع آبی شده و مناطقی مانند استان هبئی را با بحران سلامتی در کودکان مواجه کرده است^{۴۳}.

آلودگی محیط‌زیست نمونه روشن آسیب پنهان و تدریجی است؛ آسیبی که قربانیان آن گاه سال‌ها بعد با بیماری، فقر درمانی و کاهش کیفیت زندگی مواجه می‌شوند. در این وضعیت، شرکت آلاینده سود را خصوصی می‌کند، اما هزینه‌های بیماری، مرگ زودرس و تخریب زیست‌بوم را بر جامعه عمومی تحمیل می‌نماید. از منظر زیولوژیک، آلودگی ناشی از خصوصی‌سازی نوعی خشونت ساختاری زیست‌محیطی است که بدن انسان، طبیعت و حق نسل‌های آینده را هم‌زمان هدف قرار می‌دهد.

۳-۱-۳- تغییرات اقلیمی

خصوصی‌سازی، به‌ویژه در بخش‌های مرتبط با انرژی، حمل‌ونقل، و صنایع سنگین، می‌تواند از طریق تشدید انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش نظارت زیست‌محیطی، به تغییرات اقلیمی دامن بزند. این تأثیرات اغلب به دلیل تمرکز شرکت‌های خصوصی بر سودآوری کوتاه‌مدت و کاهش هزینه‌ها رخ می‌دهد که منجر به غفلت از پیامدهای زیست‌محیطی و اقلیمی فعالیت‌های آنان می‌شود. یکی از مهم‌ترین پیامدهای خصوصی‌سازی، افزایش انتشار دی‌اکسیدکربن و سایر گازهای گلخانه‌ای است، زیرا شرکت‌های خصوصی معمولاً برای کاهش هزینه‌ها از فناوری‌های قدیمی و آلاینده استفاده می‌کنند. برای مثال؛ خصوصی‌سازی نیروگاه‌های زغال‌سنگ در چین، به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای در مناطق صنعتی این کشور منجر شد. این تغییرات ناشی از کاهش نظارت دولت و اولویت‌دهی به تولید ارزان‌قیمت برق بود. خصوصی‌سازی منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، اغلب منجر به قطع درختان برای بهره‌برداری تجاری می‌شود. این اقدام، ظرفیت طبیعی برای جذب کربن را کاهش داده و تغییرات اقلیمی را تسریع می‌کند^{۴۴}.

در این محور، قربانیان تنها کسانی نیستند که در نزدیکی یک کارخانه یا معدن زندگی می‌کنند؛ بلکه نسل‌های آینده مهم‌ترین قربانیان غیرمستقیم و بلندمدت‌اند. همچنین شهروندان کشورهای کمتر توسعه‌یافته و طبقات فرودست جهانی نیز از دیگر قربانیان تغییرات اقلیمی‌اند. آنان معمولاً کمترین سهم را در تولید گازهای گلخانه‌ای دارند، اما بیشترین آسیب را از سیل،

^{۴۱} - «افزایش ۳۰ درصدی عوارض قلبی و تنفسی متناسب به آلودگی هوا در خوزستان»، ۱۴۰۴/۰۱/۳۱، <https://www.irna.ir/news/۸۵۸۰۸۹۲۸/>

<https://www.irna.ir/news/۸۵۸۰۸۹۲۸/>

^{۴۲} - «جواب آزمایش «نسل آلوده»»، ۱۴۰۳/۱۰/۰۵،

<https://donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-۴۱۳۷۵۴۵>

^{۴۳} - “Analysis: China’s carbon emissions grow at fastest rate for more than a decade”, 20.05.2021, <https://www.carbonbrief.org/analysis-chinas-carbon-emissions-grow-at-fastest-rate-for-more-than-a-decade/>

^{۴۴} - “Analysis: China’s carbon emissions grow at fastest rate for more than a decade”, 20.05.2021, <https://www.carbonbrief.org/analysis-chinas-carbon-emissions-grow-at-fastest-rate-for-more-than-a-decade/>

خشکسالی، گرمای شدید، کاهش محصول، بحران آب و بیماری‌های ناشی از تغییر اقلیم تحمل می‌کنند. خصوصی‌سازی صنایع انرژی‌بر یا منابع سوخت فسیلی، اگر بدون تعهدات اقلیمی و فناوری پاک انجام شود، این نابرابری را تشدید می‌کند. در این معنا، تغییرات اقلیمی نوعی آسیب جهانی است که قربانیان آن اغلب کسانی‌اند که کمترین قدرت اقتصادی و سیاسی را برای مقابله با آن دارند.

همچنین باید به قربانیان مشارکت‌زدایی زیست‌محیطی توجه کرد؛ یعنی مردمی که در اثر خصوصی‌سازی منابع طبیعی یا پروژه‌های بزرگ صنعتی، از حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقلیمی و زیست‌محیطی محروم می‌شوند. وقتی تصمیم درباره جنگل، معدن، رودخانه، ساحل یا نیروگاه در اتاق‌های بسته و میان دولت و شرکت‌ها اتخاذ می‌شود، جوامع محلی از امکان دفاع از آینده زیستی خود کنار گذاشته می‌شوند. این حذف مشارکتی خود نوعی آسیب است؛ زیرا شهروندان را از حق تعیین سرنوشت زیست‌محیطی محروم می‌کند.

تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که آسیب خصوصی‌سازی محدود به زمان حال و مکان خاص نیست، بلکه می‌تواند به آینده، نسل‌های بعدی و جوامع دوردست منتقل شود. قربانیان این آسیب، اغلب کودکانی هستند که هنوز قدرت دفاع از خود ندارند و جوامعی که کمترین سهم را در تولید بحران داشته‌اند. از منظر زیولوژیک، این وضعیت مصداق «آسیب بین‌نسلی و فرامکانی» است؛ یعنی سود امروز گروهی محدود، به ناامنی زیستی فردای جمعی گسترده تبدیل می‌شود.

در نتیجه خصوصی‌سازی در حوزه محیط‌زیست، هرگاه در غیاب نظارت مؤثر، پاسخ‌گویی عمومی و الزام به جبران خسارت پیش رود، از یک سیاست اقتصادی به سازوکاری برای تولید نظام‌مند آسیب تبدیل می‌شود. در این وضعیت، تخریب منابع طبیعی، آلودگی محیط‌زیست و تشدید تغییرات اقلیمی، صرفاً پیامدهای فنی یا اکولوژیک نیستند، بلکه اشکالی از بزه‌دیدگی ساختاری‌اند که قربانیان آن در میان کشاورزان، ماهیگیران، ساکنان مناطق صنعتی، کودکان، جوامع بومی و نسل‌های آینده پدیدار می‌شوند. اهمیت مسئله از منظر زیولوژی در آن است که سود حاصل از بهره‌برداری خصوصی، در تملک گروهی محدود باقی می‌ماند، اما هزینه‌های بیماری، جابه‌جایی، فقر زیستی و ناامنی محیطی به‌صورت اجتماعی توزیع می‌شود. بدین ترتیب، خصوصی‌سازی نه تنها طبیعت را به کالای سودآور فرومی‌کاهد، بلکه حق بر محیط‌زیست سالم را نیز به‌گونه‌ای نابرابر از برخی گروه‌ها سلب می‌کند. در این معنا، آسیب زیست‌محیطی خصوصی‌سازی را باید شکلی از خشونت ساختاری دانست که هم‌زمان زیست‌بوم، بدن انسان و آینده جمعی را هدف قرار می‌دهد. براین اساس، هرگونه واگذاری در حوزه منابع طبیعی، انرژی، صنایع آلاینده و خدمات زیست‌محیطی باید به طور الزامی مقید به ارزیابی پیشینی آثار زیست‌محیطی، مشارکت واقعی جوامع محلی، نظارت عمومی مستمر و مسئولیت جبرانی مؤثر در قبال قربانیان باشد.

۳-۲- آسیب‌های سیاسی

در این بخش از مقاله، خصوصی‌سازی به مثابه کنشی سیاسی تحلیل می‌شود که با فرسایش مرز میان منافع عمومی و سود خصوصی، ساختارهای حکمرانی را متأثر می‌سازد. این فرایند از طریق تقلیل پاسخ‌گویی، گسترش فساد ساختاری و تضعیف مشارکت دموکراتیک، نه تنها اعتماد عمومی را مخدوش می‌سازد، بلکه شهروندان را از جایگاه فاعلی خود در مدیریت منابع ملی

به حاشیه می‌راند. در نتیجه، خصوصی‌سازی به سازوکاری برای تمرکز قدرت سیاسی و سلب حقوق مدنی گروه‌های فرودست بدل می‌شود.

۳-۲-۱- کاهش پاسخگویی و سلب اعتماد عمومی

کاهش پاسخگویی یکی از پیامدهای کلیدی سیاست‌های خصوصی‌سازی است که نه تنها باعث کاهش شفافیت در مدیریت منابع عمومی می‌شود، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی، افزایش فساد، و حذف نظارت دموکراتیک بر فرایندهای حیاتی منجر می‌شود. این فرایند می‌تواند در سه سطح موجب کاهش پاسخگویی شود؛ پاسخگویی دولت به شهروندان؛ با کاهش نقش دولت در ارائه خدمات عمومی، مسئولیت پاسخگویی به نیازهای مردم نیز کاهش می‌یابد، پاسخگویی شرکت‌های خصوصی؛ شرکت‌های خصوصی غالباً سود را بر منافع عمومی اولویت می‌دهند و پاسخگویی آن‌ها به مردم کمتر است و نظارت نهادی؛ خصوصی‌سازی اغلب منجر به کاهش نظارت نهادهای دولتی بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. پیامدهای حاصل از کاهش پاسخگویی‌ها را می‌توان در قالب مواردی از جمله تضعیف اعتماد عمومی به حاکمیت با این توضیح که کاهش شفافیت و افزایش نارضایتی از خدمات خصوصی شده، اعتماد عمومی به دولت و نهادهای حاکمیتی را تضعیف می‌کند. افزایش نابرابری اجتماعی بدین شرح که عدم نظارت بر عملکرد شرکت‌های خصوصی شده، به توزیع نابرابر منابع و گسترش شکاف طبقاتی منجر می‌شود برای نمونه در آفریقای جنوبی، خصوصی‌سازی شرکت‌های برق منجر به افزایش نرخ نابرابری در دسترسی به برق شد.^{۴۵} خصوصی‌سازی بدون شفافیت، زمینه‌ساز معاملات پنهانی و فساد اقتصادی می‌شود، در ایران واگذاری شرکت‌های بزرگ به بخش خصوصی بدون شفافیت، باعث کاهش اعتماد عمومی شد. برای مثال خصوصی‌سازی شرکت هپکو و واگذاری به مالکان غیرمتخصص، علاوه بر مشکلات اقتصادی، باعث بی‌اعتمادی شدید کارگران شد.^{۴۶}

۳-۲-۲- فساد

خصوصی‌سازی اغلب به دلیل نبود شفافیت، ضعف نظارت نهادی، و اولویت‌دهی به سود شخصی به جای منافع عمومی، زمینه‌ساز افزایش فساد است. از منظر زمیولوژی، این فساد نه تنها منجر به سوءاستفاده از منابع عمومی می‌شود، بلکه آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به جا می‌گذارد. بسیاری از فرایندهای خصوصی‌سازی در غیاب شفافیت و رقابت انجام می‌شوند. این شرایط زمینه‌ساز معاملات پشت پرده و سوءاستفاده از موقعیت‌های دولتی می‌شود. در واقع زمانی که ساختار اقتصادی کشوری بسته و رویکرد امنیتی نسبت به اقتصاد وجود داشته باشد خصوصی‌سازی نه تنها مانع فساد بلکه زمینه‌ساز آن می‌شود.^{۴۷}

در روسیه، خصوصی‌سازی سریع و بدون نظارت صنایع بزرگ پس از فروپاشی شوروی، منجر به ظهور "الیگارش‌های اقتصادی" شد که از طریق روابط سیاسی به ثروت دست یافتند (کاهش شفافیت در واگذاری‌ها). واگذاری منابع عمومی به شرکت‌های خصوصی با روابط سیاسی قوی، قدرت اقتصادی و سیاسی را در دست گروه‌های محدودی متمرکز می‌کند (تمرکز قدرت در

^{۴۵}-Samuel Asumadu Sarkodie, and Samuel Adams, "Electricity access and income inequality in South Africa: Evidence from Bayesian and NARDL analyses", *Energy Strategy Reviews*, 29, (2020).

^{۴۶}- «اعتراضات کارگری هپکو؛ دلیل شکست خصوصی‌سازی در ایران چیست؟»، ۱۳۹۸/۰۶/۳۱.

<https://fararu.com/fa/news/۴۱۲۳۴۲/>

^{۴۷}- عباس تقی پور نصیرآبادی و حسن عالی پور، "رویارویی خصوصی‌سازی با فساد در اقتصاد ایران؛ ارزیابی کارآمدی نظارت پیشگیرانه"، دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۹ (۱۴۰۱)، ۲۵۳.

دست گروه‌های خاص). خصوصی‌سازی اغلب با کاهش نظارت‌های دولتی و مشارکت‌های عمومی همراه است که این امر به تخلف و فساد در شرکت‌های خصوصی منجر می‌شود (کاهش نظارت دولتی و عمومی). در ایران، واگذاری مجموعه هفت‌تپه به شرکت‌های خصوصی فاقد تخصص و نظارت کافی، نمونه‌ای از این الگو است. این روند فسادآفرین منجر به سوءاستفاده از منابع عمومی تضعیف عدالت اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی و تقویت شبکه‌های غیررسمی قدرت می‌شود. در ایران خصوصی‌سازی شرکت هپکو و واگذاری به مالکان فاقد تخصص و نظارت کافی، منجر به فساد مالی و اعتراضات کارگران شد همچنین خصوصی‌سازی مجموعه کشت و صنعت هفت‌تپه و واگذاری آن مجموعه به بخش خصوصی همراه با فساد و عدم شفافیت بود که منجر به اعتراضات گسترده کارگری شد.^{۴۸}

۳-۲-۳- تضعیف دموکراسی

از منظر زیملوژی، خصوصی‌سازی می‌تواند تضعیف دموکراسی را به دنبال داشته باشد، زیرا این فرایند اغلب موجب کاهش شفافیت، تمرکز قدرت اقتصادی، و بی‌عدالتی ساختاری می‌شود. این تحولات نه تنها ساختارهای حکمرانی دموکراتیک را تضعیف می‌کند، بلکه به شکل‌گیری نابرابری‌های عمیق‌تر اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. خصوصی‌سازی اغلب در پشت درهای بسته و بدون شفافیت انجام می‌شود، و تصمیمات کلیدی درباره دارایی‌های عمومی به گروه‌های خاص واگذار می‌شود (کاهش شفافیت و مشارکت عمومی) برای مثال در کشورهای در حال توسعه، خصوصی‌سازی بدون نظارت مردمی منجر به سوءاستفاده از قدرت و حذف جامعه مدنی از فرایندهای تصمیم‌گیری شده است. خصوصی‌سازی به گروه‌های خاص اقتصادی و شرکت‌های بزرگ قدرت می‌دهد تا بر سیاست‌های عمومی تأثیر بگذارند که می‌تواند فرایندهای دموکراتیک را تضعیف کند (تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در دست گروه‌های محدود). با واگذاری مسئولیت‌های عمومی به بخش خصوصی، دولت‌ها از پاسخگویی به مردم دور می‌شوند و شرکت‌ها نیز اغلب پاسخگویی کمتری نسبت به دولت دارند (کاهش مسئولیت‌پذیری دولتی). پیامدهای حاصل از این تضعیف دموکراسی را می‌توان در کاهش مشارکت سیاسی شهروندان، تقویت نابرابری در قدرت سیاسی در اثرگذاری در سیاست‌گذاری‌ها به نفع شرکت‌های خصوصی صاحب سرمایه عظیم و تضعیف نهادهای مدنی جست‌وجو نمود.^{۴۹}

خصوصی‌سازی، به‌ویژه زمانی که بدون نظارت کافی و با انگیزه‌های سیاسی - اقتصادی اجرا شود، می‌تواند ساختارهای دموکراتیک و حقوق شهروندی را تضعیف کند. این فرایند نه تنها موجب نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود، بلکه حقوق سیاسی و مدنی گروه‌های مختلف را محدود می‌کند. در این میان، افراد و گروه‌های خاصی بیش از سایرین به‌عنوان قربانیان سیاسی خصوصی‌سازی متحمل آسیب می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در دسته‌های زیر قرار داد.

قربانیان مستقیم سیاسی خصوصی‌سازی، این گروه شامل افرادی است که به‌صورت مستقیم و فوری از طریق سرکوب، تهدید، یا محدودیت‌های سیاسی، تحت تأثیر خصوصی‌سازی قرار می‌گیرند. اعضای اتحادیه‌های کارگری که علیه خصوصی‌سازی و سیاست‌های نئولیبرالی اعتراض می‌کنند، سرکوب، بازداشت، یا از کار اخراج می‌شوند و یا رهبران کارگری که به دلیل مخالفت با خصوصی‌سازی بخش‌های دولتی، متهم به اقدامات ضد امنیتی می‌شوند. در سال‌های اخیر، اعتراضات گسترده کارگران هفت‌تپه به خصوصی‌سازی این شرکت و سوءمدیریت مالکان جدید، منجر به بازداشت و محاکمه بسیاری از فعالان کارگری شد.

^{۴۸} - «عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس: هفت تپه نماد ظلم و رانت و فساد در عالی‌ترین سطوح دولت بود»، ۱۴۰۰/۰۲/۲۰.

^{۵۰} جداسازی و بازیافت پسماند، صنعتی پر سود در سراسر هندوستان و به‌ویژه ایالاتی مثل چنای محسوب می‌شود که در حال خصوصی‌سازی است. در جریان اعتراضات مربوط به این موضوع پلیس به معترضین حمله نمود و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از آنها دستگیر و به مراکز نگهداری در سراسر ایالت منتقل شدند. معترضان ادعا کردند که مورد حمله فیزیکی شدید قرار گرفته‌اند و تلفن‌هایشان ضبط و گاه در حین بازداشت شکسته شده است.^{۵۱}

خبرنگارانی که درباره فساد، رانت‌خواری، و پیامدهای منفی خصوصی‌سازی گزارش تهیه می‌کنند، تحت فشار قرار می‌گیرند، سانسور می‌شوند، یا حتی مورد تهدید قرار می‌گیرند. رسانه‌هایی که انتقادات آن‌ها از خصوصی‌سازی با فشارهای قانونی، مالی، یا تعطیلی اجباری مواجه می‌شود. بسیاری از رسانه‌ها که درباره فساد خصوصی‌سازی در صنایع پتروشیمی و معادن گزارش داده‌اند، با تهدید یا توقیف مواجه شده‌اند که نمونه بارز آن در رابطه با پوشش فساد خصوصی‌سازی در هفت‌تپه است.^{۵۲}

و یا فعالانی که علیه خصوصی‌سازی جنگل‌ها، معادن، و منابع آبی اعتراض می‌کنند، اما با سرکوب و تهدید مواجه می‌شوند و سازمان‌های مدنی که تلاش می‌کنند از حقوق جوامع محلی در برابر شرکت‌های خصوصی دفاع کنند، اما به دلیل فشارهای سیاسی و اقتصادی تضعیف می‌شوند در این دسته قرار می‌گیرند. برای مثال؛ فعالان محیط‌زیست در ایران که به دلیل اعتراض به پروژه‌های صنعتی از جمله پروژه میان‌کاله در مناطق، با اتهام‌های امنیتی و بازداشت مواجه شده‌اند^{۵۳} و یا در برزیل، بسیاری از رهبران بومی که علیه جنگل‌زدایی آمازون توسط شرکت‌های خصوصی اعتراض کرده‌اند، مورد تهدید و حتی ترور قرار گرفته‌اند.^{۵۴}

همچنین افراد و گروهایی به طور غیرمستقیم از منظر سیاسی قربانیان خصوصی‌سازی می‌شوند. این گروه شامل افرادی است که به‌مرور زمان و به شکل غیرمستقیم، متأثر از تغییرات ساختاری و تضعیف حقوق سیاسی و شهروندی ناشی از خصوصی‌سازی می‌شوند. کاهش شفافیت در مدیریت منابع عمومی و حذف مردم از فرایندهای تصمیم‌گیری درباره اموال عمومی و افزایش نفوذ بخش خصوصی در سیاست که منجر به کاهش پاسخگویی دولت‌ها در برابر مردم می‌شود از گروه‌های آسیب‌پذیر سیاسی در کاربست سیاست‌های خصوصی‌سازی محسوب می‌شوند. خصوصی‌سازی گسترده در حوزه آب، انرژی، و معادن باعث شده است که شهروندان دیگر نتوانند درباره مدیریت این منابع عمومی اظهارنظر کنند.

مردمان بومی و اقوامی که زمین‌ها و منابع طبیعی‌شان خصوصی‌سازی می‌شود و در فرایند تصمیم‌گیری درباره آن نقشی ندارند و اقشار کم‌درآمد که به دلیل سیاست‌های خصوصی‌سازی، قدرت چانه‌زنی و مشارکت سیاسی خود را از دست می‌دهند در این

^{۵۰} «بازداشت چهار فعال کارگری هفت تپه / کارگران شرکت دست به اعتراض زدند»، ۱۳۹۹/۰۸/۱۰.

<https://snn.ir/۰۳iaC>

^{۵۱} «کارگران معترض به خصوصی‌سازی بازداشت شدند»، ۱۴۰۴/۰۵/۲۵.

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۶۷۳۹۰۰>

^{۵۲} «بازداشت و آزادی یک خبرنگار حوزه کارگری در شوش»، ۱۳۹۹/۰۴/۲۵.

<https://ifj-farsi.org/?p=5844>

^{۵۳} «بازداشت دیده‌بان میانکاله در نشست خبری»، ۱۴۰۲/۰۴/۱۴.

<https://eghtesaad۲۴.ir/fa/news/۲۰۰۳۶۸>

^{۵۴} «قتل فعال سرشناس حفاظت از جنگل‌های آمازون»، ۱۳۹۸/۰۸/۱۲.

<https://p.dw.com/p/۳SPP۵>

«اعتراض بومیان برزیل به جنگل‌زدایی آمازون در بروکسل»، ۱۳۹۸/۰۸/۱۵.

<https://www.entekhab.ir/fa/news/511110/>

دسته قرار می‌گیرند. در کانادا، بسیاری از مردمان بومی که زمین‌هایشان برای استخراج معادن به بخش خصوصی واگذار شده، بدون داشتن حق رأی و مشارکت سیاسی مؤثر، متحمل آسیب‌های گسترده‌ای شده‌اند.⁵⁵

قربانیان ساختاری سیاسی خصوصی‌سازی دسته دیگر قربانیان محسوب می‌شوند. این گروه شامل افرادی است که در اثر تغییرات کلان سیاسی و اقتصادی ناشی از خصوصی‌سازی، در بلندمدت دچار آسیب‌های سیاسی و حقوقی می‌شوند. خصوصی‌سازی خدمات عمومی باعث می‌شود که مردم دیگر نتوانند دولت را بابت کیفیت خدمات عمومی (مانند آموزش، بهداشت، آب و برق) پاسخگو نگه دارند. افزایش خصوصی‌سازی، دولت را از اجرای وظایف خود در قبال شهروندان دور می‌کند و مردم در نهایت ابزارهای سیاسی برای مطالبه حقوق خود را از دست می‌دهند. خصوصی‌سازی در بخش آموزش و درمان باعث شده است که مردم دسترسی کمتری به آموزش و بهداشت باکیفیت داشته باشند، اما دیگر امکان اعتراض به دولت در این زمینه را نیز ندارند، زیرا این خدمات توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود. افزایش خصوصی‌سازی، منجر به فساد مالی و رانت‌خواری گسترده در قراردادهای دولتی می‌شود و نهادهای نظارتی نیز در برابر نفوذ شرکت‌های بزرگ تضعیف می‌شوند. وابستگی سیاسی احزاب و دولت‌ها به سرمایه‌داران خصوصی باعث می‌شود که قوانین به نفع آن‌ها تغییر کند و نظارت عمومی بر عملکرد دولت کاهش یابد. خصوصی‌سازی‌های رانتی در دهه‌های اخیر موجب شده است که سازمان‌های نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور، نتوانند به طور مستقل بر عملکرد شرکت‌های خصوصی شده نظارت کنند.

تحلیل آسیب‌های سیاسی خصوصی‌سازی نشان می‌دهد که این سیاست، نه یک خطای مدیریتی، بلکه بستر ساز نوعی قربانیت سیاسی سیستماتیک است. وقتی خصوصی‌سازی در خلأ شفافیت و بدون نظارت دموکراتیک رخ می‌دهد، به بازتوزیع قدرت به نفع اقلیت‌های اقتصادی و تضعیف عاملیت سیاسی شهروندان منجر می‌شود. قربانیان این فرایند – از کارگران معترض و فعالان مدنی تا خبرنگاران افشاگر – نه به دلیل اعمال مجرمانه، بلکه به واسطه تلاش برای حفظ حقوق عمومی، هدف سرکوب یا طرد سیاسی قرار می‌گیرند. در واقع، خصوصی‌سازی با تبدیل اداره خدمات به پروژه‌ای برای انباشت قدرت، نهادهای نظارتی را خنثی و جامعه را از حق تعیین سرنوشت سیاسی خود محروم می‌کند. از منظر زیست‌محیطی، این وضعیت نشان‌دهنده گسست نهادی میان حاکمیت و ملت است؛ جایی که نظم سیاسی به جای حمایت از حقوق شهروندی، به محافظت از منافع اقلیتی مسلط تغییر ماهیت می‌دهد و هرگونه مقاومت در برابر این فرایند را با برچسب‌های امنیتی یا قانونی سرکوب می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی انجام‌شده در این مقاله نشان داد که خصوصی‌سازی را نمی‌توان صرفاً در سطح انتقال مالکیت یا کاهش تصدی‌گری دولت تحلیل کرد، بلکه باید آن را به مثابه یک فرایند نهادی با آثار اجتماعی و توزیعی گسترده فهم نمود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هرگاه این سیاست بدون شفافیت، بدون اهلیت‌سنجی واقعی، بدون مشارکت ذی‌نفعان و بدون نظارت پیشینی و پسینی اجرا شود، می‌تواند به تشدید نابرابری، تضعیف دسترسی به خدمات عمومی، افزایش بیکاری، کاهش امنیت شغلی، و فرسایش اعتماد عمومی منجر شود. این پیامدها از منظر زیست‌محیطی، مصادیق روشن آسیب اجتماعی‌اند و باید در قالب بزه‌دیدگی ساختاری و سیاست‌زاد فهم شوند.

⁵⁵-Christina M. Kennedy and others, "Indigenous Peoples' lands are threatened by industrial development; conversion risk assessment reveals need to support Indigenous stewardship", *One Earth*, 6, 8, (2023).

مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از خصوصی‌سازی نامضبوط، در سه سطح قابل‌مشاهده است: سطح اقتصادی که در آن نابرابری و تمرکز منافع افزایش می‌یابد؛ سطح اجتماعی که در آن دسترسی طبقات ضعیف به خدمات عمومی و فرصت‌های شغلی کاهش می‌یابد؛ و سطح نهادی که در آن اعتماد عمومی به دولت، بازار و نهادهای تنظیم‌گر تضعیف می‌شود. این سه سطح به‌صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند و در نهایت به گسترش دامنه بزه‌دیدگی می‌انجامند.

در خصوص شناسایی قربانیان خصوصی‌سازی یافته‌ها نشان می‌دهد که قربانیان اصلی، نه فقط کارگران یا کارکنان واحدهای واگذار شده، بلکه طیف وسیع‌تری از گروه‌های اجتماعی‌اند؛ از جمله مصرف‌کنندگان خدمات عمومی، ساکنان مناطق محروم، اقشار کم‌درآمد و حتی خود نظام اداری و نهادی کشور که در اثر واگذاری‌های نادرست دچار اختلال و بی‌ثباتی می‌شود. به همین دلیل، خصوصی‌سازی آسیب‌زا را باید نه یک مسئله بخشی، بلکه یک معضل عمومی در سطح عدالت اجتماعی و حکمرانی دانست.

مواجهه مؤثر با آثار منفی خصوصی‌سازی، مستلزم تدوین و اجرای مجموعه‌ای از سازوکارهای حقوقی و سیاستی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ارزیابی پیشینی آثار اجتماعی، شفاف‌سازی کامل فرایند واگذاری، احراز اهلیت واقعی، مشارکت ذی‌نفعان، تضمین حقوق شغلی کارگران، ایجاد نظارت پسینی مؤثر، طراحی شاخص‌های سنجش آسیب و پیش‌بینی سازوکارهای جبرانی. به بیان دیگر، خصوصی‌سازی تنها در صورتی می‌تواند با منافع عمومی سازگار شود که در چارچوب حکمرانی مسئولانه و با تعهد به عدالت اجتماعی مدیریت گردد.

نظام پیشنهادها در خصوص کاهش آسیب‌های حاصل از خصوصی‌سازی و حمایت‌ها در سطوح مختلف از قربانیان بالقوه و بالفعل خصوصی‌سازی‌ها در سطوح ذیل اما نه محدود به آن‌ها قابل بررسی است.

۱- الزام به «ارزیابی اثرات اجتماعی» پیش از واگذاری

قبل از هر خصوصی‌سازی، باید ارزیابی رسمی و قانونی از آثار اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای انجام شود. این ارزیابی باید مشخص کند واگذاری چه اثری بر اشتغال، امنیت شغلی، دسترسی مردم به خدمات، قیمت کالا یا خدمات، توسعه منطقه‌ای و گروه‌های آسیب‌پذیر دارد.

۲- شفاف‌سازی کامل فرایند واگذاری

بخش بزرگی از آسیب خصوصی‌سازی از ابهام، رانت، قیمت‌گذاری غیرواقعی و فقدان نظارت عمومی ناشی می‌شود. برای کاهش این آسیب، باید قانون، انتشار عمومی این اطلاعات مربوط به مبنای قیمت‌گذاری، هویت خریداران نهایی و ذی‌نفعان واقعی، شرایط قرارداد، تعهدات خریدار، وضعیت بدهی‌ها و دارایی‌ها و گزارش کارشناسان رسمی را الزامی کند. این امر موجب شفافیت، امکان تشخیص زودهنگام آسیب‌های ساختاری و فسادزا را فراهم می‌کند.

۳- پیش‌بینی «شروط حمایتی کارگران» در قرارداد واگذاری

در بسیاری از خصوصی‌سازی‌ها، نخستین گروهی که آسیب می‌بینند کارگران هستند؛ بنابراین قرارداد واگذاری باید به‌صورت الزام‌آور شامل شروطی از قبیل ممنوعیت اخراج گسترده تا مدت معین با توجه به رشد نرخ اشتغال در کشور، حفظ سطح مشخصی از اشتغال، پرداخت به‌موقع دستمزد و بیمه، حفظ مزایای قانونی، لزوم آموزش و بازآموزی نیروی کار و جبران خسارت

در صورت تعدیل اجباری باشد. این راهکار مستقیماً آسیب‌های معیشتی، روانی و خانوادگی ناشی از بی‌ثباتی شغلی را کاهش می‌دهد.

۴- ایجاد سازوکار «نظارت پسینی» به جای تمرکز صرف بر لحظه واگذاری

اغلب نظارت‌ها فقط تا زمان امضای قرارداد فعال اند. درحالی‌که بخش مهم آسیب‌ها پس از واگذاری رخ می‌دهد. لازم است قانون، یک نظام نظارتی چندساله ایجاد کند که مواردی از قبیل اجرای تعهدات سرمایه‌گذار، حفظ تولید، تغییر وضعیت کارگران، افزایش قیمت یا افت کیفیت، فروش دارایی‌ها و خروج سرمایه و انحراف از هدف اصلی واگذاری را تحت نظارت و بررسی قرار دهد. این راهکار موجب می‌شود که آسیب را به‌عنوان یک فرایند مستمر و نه یک رویداد لحظه‌ای نگریسته شود.

۵- جرم‌انگاری یا ضمانت اجرای مؤثر برای اهلیت‌نمایی صوری

یکی از منشأهای مهم آسیب، واگذاری به افرادی است که اهلیت واقعی مدیریتی، مالی یا فنی ندارند؛ اما به طور صوری واجد شرایط معرفی می‌شوند. قانون باید برای این وضعیت ضمانت اجرا پیش‌بینی کند، مانند ابطال معامله، محرومیت از شرکت در واگذاری‌های بعدی، مسئولیت مدنی برای جبران خسارت و ضمانت اجرای کیفری در صورت تقلب، تبانی یا ارائه اطلاعات خلاف واقع. این راهکار مانع انتقال بنگاه‌ها به بازیگرانی می‌شود که خود منشأ آسیب اجتماعی گسترده‌اند.

۶- مشارکت ذی‌نفعان محلی، کارگران و مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری

خصوصی‌سازی نباید صرفاً تصمیمی اداری و از بالا به پایین باشد. می‌توان به‌صورت قانونی پیش‌بینی کرد که پیش از واگذاری، نمایندگان کارگران، نهادهای محلی، مصرف‌کنندگان و کارشناسان مستقل در جلسات مشورتی یا هیئت‌های ارزیابی از طریق جلسات استماع عمومی، انتشار پیش‌نویس قرارداد برای نظرخواهی، حضور نماینده کارگران در هیئت نظارت و کمیته‌های محلی ارزیابی پیامدها حضور و مشارکت داشته باشند. این مشارکت، صداها و مطالبات آسیب‌دیدگان بالقوه را وارد فرایند سیاست‌گذاری می‌کند.

۷- تعیین حداقل استاندارد خدمات عمومی در واگذاری‌های خدماتی

در خصوص‌سازی در حوزه‌هایی مانند آب، برق، درمان، آموزش، حمل‌ونقل یا سایر خدمات پایه باید قانوناً حداقل استاندارد دسترسی، کیفیت و قیمت‌پذیری نظیر ممنوعیت قطع غیرمنصفانه خدمات، سقف افزایش قیمت، الزام به پوشش مناطق محروم، تداوم خدمت‌رسانی در شرایط بحرانی و رعایت استانداردهای ایمنی و کیفیت تعیین شود. این راهکار از تبدیل خصوص‌سازی به محروم‌سازی اجتماعی جلوگیری می‌کند.

۸- ایجاد صندوق جبرانی برای آسیب‌دیدگان خصوص‌سازی

در مواردی که واگذاری موجب بیکاری، کاهش دسترسی به خدمات، یا افول اقتصادی منطقه‌ای می‌شود، باید سازوکار جبرانی وجود داشته باشد. می‌توان به‌موجب قانون، صندوق جبران آسیب‌های خصوص‌سازی ایجاد کرد که منابع آن از محل بخشی از عواید واگذاری، جرایم و خسارات قراردادی و سهمی از سود شرکت‌های واگذارشده تأمین گردد و مبالغ آن صرف پرداخت حمایت موقت به کارگران بیکار شده، تأمین هزینه بازآموزی، حمایت از مناطق آسیب‌دیده و جبران کاهش دسترسی به خدمات عمومی شود. این راهکار موجب جبران واقعی آسیب، نه فقط ثبت حقوقی آن می‌شود.

۹- طراحی شاخص‌های قانونی برای سنجش آسیب در خصوصی‌سازی

رویکرد زیملوژیک مستلزم آن است که آسیب‌ها قابل سنجش و قابل گزارش شوند. به همین دلیل قانون‌گذار یا نهاد ناظر باید مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای سنجش آسیب تعریف کند، شاخص‌هایی نظیر: نرخ تعدیل نیروی انسانی، میزان معوقات مزدی، تغییر سطح دسترسی به خدمات، تغییر قیمت برای مصرف‌کننده، شدت نابرابری منطقه‌ای، افت ایمنی و کیفیت، افزایش دعاوی کارگری و تعطیلی یا رکود تولید. این امر موجب می‌شود آسیب قابل اندازه‌گیری شود و بدین ترتیب انکار آن دشوارتر و مداخله قانونی آسان‌تر می‌شود.

همچنین دو ماده قانونی زیر به سیاست‌گذاران قانونی پیشنهاد می‌گردد:

۱- کلیه واگذاری‌های ناشی از خصوصی‌سازی باید با رعایت اصول شفافیت، احراز اهلیت واقعی خریدار، ارزیابی پیشینی اثرات اجتماعی و اقتصادی، حمایت از حقوق کارگران، حفظ دسترسی عمومی به خدمات اساسی، مشارکت ذی‌نفعان، نظارت مستمر پس از واگذاری، جبران آسیب‌های وارده و پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر در صورت بروز آسیب انجام شود. عدم رعایت هر یک از الزامات مذکور، حسب مورد موجب توقف فرایند واگذاری، ابطال قرارداد، جبران خسارت، اعمال مسئولیت اداری، مدنی یا کیفری، و نیز اصلاح، تعلیق یا فسخ واگذاری خواهد بود.

۲- به منظور حمایت از اشخاص و مناطق آسیب‌دیده از خصوصی‌سازی، صندوق جبران آسیب‌های واگذاری تشکیل می‌شود. منابع این صندوق عبارت است از:

۱. درصدی از عواید حاصل از واگذاری‌ها

۲. وجوه ناشی از جرایم، خسارات و ضمانت اجرای قراردادی

۳. سایر منابع قانونی

این صندوق در چارچوب آیین‌نامه اجرایی برای امور زیر هزینه می‌شود: حمایت موقت از کارکنان بیکار شده، بازآموزی و توانمندسازی شغلی، جبران اختلال در دسترسی به خدمات عمومی، حمایت از مناطق محلی آسیب‌دیده.

منابع فارسی:

- احمدی، سعیده، آسیب شناسی و ریشه‌یابی واگذاری و خصوصی‌سازی‌های ناموفق در کشور و راهکارهای صحیح، تهران: پژوهشکده امنیت اقتصادی تدبیر، ۱۴۰۳.

- امید، مسعود، کارنامه نئولیبرالیسم در ایران، تهران، گل آذین، ۱۴۰۲.

- امیررحیمی، حسین، حسینی، سیدشمس‌الدین، سیدنورانی، سیدمحمد رضا، محمدی، تیمور و صفرزاده، اسماعیل. «بررسی وضعیت خصوصی‌سازی صنایع پالایش نفت ایران با رویکرد فازی»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۳۷، ۱۰، (۱۳۹۹)، ۱۱-۳۵.

- بیات، موسی و محمد رضا ملاشاهی، «بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش و پرورش (سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱)»، دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۴۰۱).

- نقی پور نصیرآبادی، عباس و عالی پور، حسن، «رویارویی خصوصی سازی با فساد در اقتصاد ایران: ارزیابی کارآمدی نظارت پیشگیرانه»، دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۹ (۲۱)، (۱۴۰۱)، ۲۳۱-۲۶۷.
- داوود ال. روث، دیوید کارل ریچ، بزه دیده شناسی جرم حکومتی، مترجم: غلامی، نبی الله، تهران، شهردانش، ۱۳۹۹.
- راثی وحید، دوستی فرزانه، ریحانی یساولی عبدالله، «چالش های برون سپاری ارائه خدمات سلامت به بخش خصوصی از دیدگاه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد: یک مطالعه کیفی». تأمین اجتماعی، (۱۳۹۷)، ۱۴ (۳): ۱۱۷-۱۳۴.
- رستگاری، شاهو، بابایی فرد، اسدالله و نیازی، محسن، «درک تجربه ذی نفعان از فرایند خصوصی سازی در ایران»، جامعه شناسی کاربردی، ۳۵ (۱۴۰۳): ۶۹-۱۰۰.
- رضایی دولت آبادی، حسین، صمدی، سعید و ناجی زواره، حسام، «تحلیل تأثیر خصوصی سازی بر توسعه بازار سهام در ایران»، نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۳ (۱)، (۱۳۹۰)، ۹۷-۱۱۲.
- رضوانی، محمد رضا، طهماسبی، سیامک، هاجری، بهرام، «بررسی وضعیت نابرابری و بی عدالتی در شاخص های سلامت و تعیین کننده های اجتماعی آن در ایران». فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای، (۱۴۰۱)، ۱۲ (۴۸): ۱-۱۴.
- کیومرثی، مجتبی (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت امنیت شغلی نیروی کار در پرتو خصوصی سازی»، ماهنامه علمی-تحلیلی کار و جامعه، (۱۳۹۱)، ۱۵۲.
- سیدسجادی، سپهر، جعفری نژاد، مسعود، کتابی، محمد، «ارزیابی اثرات منفی خصوصی سازی بر میزان فقر و شکاف درآمدی در برنامه پنجم توسعه»، دو فصلنامه علمی - تخصصی اقتصاد توسعه و برنامه ریزی، ۶ (۲)، (۱۳۹۶)، ۱۰۷-۱۳۵.
- جوان جعفری، دکتر عبدالرضا و حاجی وند، امین، «تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط زیست سالم از منظر جرم شناسی ادغام گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نتولیرالیستی)»، دو فصلنامه بین المللی حقوق بشر، (۱۴۰۰)، ۱۶ (۱)، ۱۹۵-۲۱۶. doi: ۲۰۲۱/۱۳۸۰۹۴/۱۲۵۱/hr.۱۰/۲۲۰۹۶
- حسینی، محمد و قورچی بیگی، مجید، «تحلیل بزه دیده شناختی جرایم یقه سفید ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳ (۱۳۹۴)، ۹-۴۰.
- سحرخیز، حسین و انوشه، منیره، «بررسی موانع خصوصی سازی در پرستاری». فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت پرستاری، (۱۳۹۴)، ۴ (۴)، (۱۳۹۴)، ۳۷-۲۵.
- شورش، فردین و هادی مورخ، «همه ابعاد خصوصی سازی»، مجله شاخص کارآفرینی، ۵، ۱۷، (۱۳۹۹)، ۲۶-۴۷.
- شیرازی، عظیم، جعفری، محمد، برنامه خصوصی سازی کشور؛ عملکرد، ملاحظات و چالش ها، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۳.
- صادقی ده چشمه، مهرداد و قائدامینی هارونی، عباس، «شناسایی اثرات منفی فرهنگی گردشگری بر جامعه میزبان (مورد مطالعه: روستای ده چشمه)»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۵ (۵۲)، (۱۳۹۹)، ۲۶۳-۳۰۸.
- عباس نیا، مجید، ظهیریان، عاتکه، زارع، مهدی و شبان، مجید، «مدیریت و طبقه بندی پسماندهای پالایشگاه نفت شیراز بر اساس کنوانسیون بازل»، نشریه علمی محیط زیست و توسعه، ۱۱ (۲۲)، (۱۳۹۹)، ۳۱-۳۹.
- غلامی، حسین. درآمدی بر آسیب اجتماعی شناسی (زمینولوژی)، تهران: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، ۱۳۹۲.
- فیاض منش، فرید و رنجبرکی، علی، «اثر خصوصی سازی خدمات عمومی بر کارایی اقتصادی و درآمد دولت. نظریه های کاربردی اقتصاد»، (۱۳۹۶)، ۴ (۲)، (۱۳۹۶)، ۱۴۳-۱۶۸.
- قادری، سامان، امانی، رامین و مهاباد، «تحلیل و بررسی تأثیر خصوصی سازی بر آلودگی محیط زیست در ایران: کاربرد روش TVP-VAR». «پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۳ (۲)، (۱۴۰۲)، ۲۷-۶۵.

- قادری ریحانه، شفیعی اسماعیل، مدنی سید مصطفی. «نقش شکاف طبقاتی در تضعیف همبستگی ملی؛ بررسی روندهای اجتماعی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۸)». فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، (۱۴۰۴)؛ ۱۵ (۲): ۶۷-۹۶.

-مرادی، حدیث، صادقی، سیدشمس الدین، اخوان کاظمی، «اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، مجله مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۵(۱)، (۱۴۰۱)، ۲۸۷-۳۱۹.

- میرزایی نژاد، محمدرضا. «گزارش طرح پژوهشی تدوین ضوابط و مقررات خاص جهت خصوصی سازی نیروگاه ها و تشویق سرمایه گذاران و حفظ حقوق آنان». (e4345). ماهنامه گزارش های کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۱)، ۲۰ (۶۰).
-نورانی جداقیا، عرفان و فرنام، علی. «مطالعه تجارب جهانی ناموفق در ایجاد شهرها و شهرک های جدید»، ماهنامه گزارش های کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۳۲ (۸)، (۱۴۰۳).

منابع لاتین:

-Anthony Lloyd, The Harms of Work An Ultra-Realist Account of the Service Economy,(uk: Bristol University Press,2019).

-Bertrand,Elodie and Panitch,Vida,THE ROUTLEDGE HANDBOOK OF COMMODIFICATION,(London: ROUTLEDGE,2024).

-Cohen, D. "State and Local Finances: Privatization and the Weakening of Democracy". *Challenge*, 57(4),(2014), 32-43.

-Canning, V., and Tombs.s.From Social Harm to Zemiology: A Critical Introduction.(Abingdon: Routledge,2021).

-David McKenzie & Dilip Mookherjee,"The Distributive Impact of Privatization in Latin America: Evidence from Four Countries,"*Economía Journal,The Latin American and Caribbean Economic Association-LACEA*,0(Spring 20),(2003),161-234.

- Heimer,Karen,"Inequalities and crime",*Wiley Criminology*,57(3),(2019),1-18.

-Lochery,E.,McNamara,T and Musonda,J.,,"Subsidising Extraction:Care at Work in Zambia's Copper Mines",*Antipode*,(2025),1-21.

-M.Kennedy,Christina,Fariss,Brandie,James R,Oakleaf,Stephen T.Garnett, Álvaro Fernández-Llamazares, Julia E. Fa, Sharon,Baruch-Mordo,Joseph,Kiesecker,"Indigenous Peoples' lands are threatened by industrial development; conversion risk assessment reveals need to support Indigenous stewardship", *One Earth*,۶ (۸)، (۲۰۲۳)، ۱۰۴۹-۱۰۳۲.

-NOVICK, M., LENGYEL, M. and SARABIA,M,"From social protection to vulnerability: Argentina's neo-liberal reforms of the 1990s".*International Labour Review*,148,(2009),235-252.

-Rainford,jon,"Using Zemiology to explore the potential social harms of a lifelong learning entitlement",*Journal of Education Policy*,1(2025),1-20.

-Rajendran, S., Sadooni, F.N., Al-Kuwari, H.AS. et al. "Monitoring oil spill in Norilsk, Russia using satellite data",*Sci Rep* 11, 3817 (2021),1-20.

-Stark,Christian."The Neoliberal Ideology, Its Contradictions, The Consequences And Challenges For Social Work",*Ljetopis Socijalnog Rada/Annual of Social Work*,۲۵,(2018).

-Sagie,Narsiah,"Discourses of privatisation: the case of South Africa's water sector",*Development Southern Africa*, ۲۵(۱), ۲۵-۲۱,(2008).

-Samuel Asumadu Sarkodie, Samuel Adams,Electricity access and income inequality in South Africa: Evidence from Bayesian and NARDL analyses, *Energy Strategy Reviews*, 29,(2020),1-11.

وب سایت ها:

-Trase: Indonesian palm oil exports and deforestation,sei,10.11.2025, <https://www.sei.org/features/indonesian-palm-oil-exports-and-deforestation/>

-Analysis: China's carbon emissions grow at fastest rate for more than a decade",20.05.2021,<https://www.carbonbrief.org/analysis-chinas-carbon-emissions-grow-at-fastest-rate-for-more-than-a-decade/>

- Mental health at work,07/20/2026:<https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/mental-health-at-work>

-«اعتراضات کارگری هپکو: دلیل شکست خصوصی سازی در ایران چیست؟»، ۱۳۹۸/۰۶/۳۱، فرارو، <https://fararu.com/fa/news/>، ۴۱۳۴۲/۴۱

- «عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس: هفت تپه نماد ظلم و رانت و فساد در عالی‌ترین سطوح دولت بود»، ۱۴۰۰/۰۲/۲۰، مشرق نیوز،

mshrgh.ir/۱۲۱۴۹۰۴

- “A Mexican union fights for its life”, google search, 23.11.2009, <https://share.google/uNHyrfNW1LWye0au>

- «افزایش حدود ۴۵ درصدی شهریه‌های مدارس غیر دولتی در سال جاری»، ۱۴۰۳/۰۳/۳۰، isna.ir/xdRmdh

- «نگاهی به شهریه‌های سرسام‌آور مدارس غیردولتی»، ۱۴۰۴/۰۵/۱۴، عصر ایران،

<https://www.asriran.com/fa/news/1082913/>

- «اخراج بیش از ۵۰۰ هزار کارگر در اثر خصوصی‌سازی»، ۱۴۰۱/۰۴/۱۳، ایلنا،

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۲۵۰۶۶۷>

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۶۲۲۱۲۰>

- «بررسی تاثیر مستقیم افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر هزینه تولید محصولات صنعتی و حمل و نقل»، ۱۳۸۸/۱۲/۰۱، مجلس،

<https://rc.majlis.ir/fa/news/show/۷۶۵۹۱۵>

- «۱۰ آسیب شرکت‌های خصوصی شده برای مردم»، ۱۴۰۱/۰۶/۰۳، مسیر اقتصاد، <https://masireqtesad.ir/138258/10>

- «چالش گرانی و سرعت پایین اینترنت»، پیشخوان، <https://www.pishkhan.com/news/338567/>

- “Why Energy Prices are a Threat to Small Businesses in the United Kingdom”, 10.11.2025, simpleliquidation,

<https://www.simpleliquidation.co.uk/why-energy-prices-are-a-threat-to-small-businesses-in-the-united-kingdom/>

- “The Impact of Reliance on Private Sector Health Services on the Right to Health”, 16.8.2016, hhjournal,

<https://www.hhrjournal.org/2014/07/01/the-impact-of-reliance-on-private-sector-health-services-on-the-right-to-health/>

- «تخلیه پساب‌های پتروشیمی به دریا؛ زنگ خطر فاجعه زیست‌محیطی»، ۱۴۰۳/۱۲/۱۰، میز انرژی،

<https://mizeenergy.ir/?p=۱۱۳۲۰>

- «صنعت نفت در خوزستان، چالش‌های توسعه در سایه آلودگی و بی‌عدالتی»، ۱۴۰۳/۱۰/۲۹، عصر ایران،

<https://www.asriran.com/fa/news/۱۰۳۰۶۵۶/>

- «بررسی کامل حادثه بوپال هند، عامل اصلی چه بود؟»، ۱۴۰۳/۰۳/۲۶، کمیسان،

<https://chemisan.ir/bhopal-incident-india/>

- «۴۰ سال پس از فاجعه نشت گاز سمی در «بوپال» هند؛ ضایعات خطرناک از کارخانه منتقل شدند»، ۱۴۰۳/۱۰/۱۴،

<https://www.isna.ir/news/1403101410161>

-افزایش ۳۰ درصدی عوارض قلبی و تنفسی متناسب به آلودگی هوا در خوزستان»، ۱۴۰۴/۰۱/۳۱،

<https://www.irna.ir/news/۸۵۸۰۸۹۲۸/>

-«جواب آزمایش «نسل آلوده»»، ۱۴۰۳/۱۰/۰۵، دنیای اقتصاد،

<https://donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-۴۱۳۷۵۴۵>

-“Analysis: China’s carbon emissions grow at fastest rate for more than a decade”, 20.05.2021, carbonbrief,

<https://www.carbonbrief.org/analysis-chinas-carbon-emissions-grow-at-fastest-rate-for-more-than-a-decade/>

-«بازداشت دیده‌بان میانکاله در نشست خبری»، ۱۴۰۲/۰۴/۱۴،

<https://eghtesaad۲۴.ir/fa/news/۲۰۰۳۶۸>

-«قتل فعال سرشناس حفاظت از جنگل‌های آمازون»، ۱۳۹۸/۰۸/۱۲، دولچه وله،

<https://p.dw.com/p/۳SPP۵>

-«اعتراض بومیان برزیل به جنگل‌زدایی آمازون در پروکسل»، ۱۳۹۸/۰۸/۱۵، انتخاب،

<https://www.entekhab.ir/fa/news/511110/>

-«آزاد سازی حریم ۶۰ متری سواحل خزر؛ تحقق یک رویا برای مردم ایران»، ۱۴۰۱/۰۶/۱۶، ایرنا،

<https://www.irna.ir/news/۸۴۸۷۴۴۹۳/>

-«بازداشت چهار فعال کارگری هفت تپه / کارگران شرکت دست به اعتراض زدند»، ۱۳۹۹/۰۸/۱۰، خبرگزاری دانشجوی،

<https://snn.ir/۰۰۳iaC>

-«کارگران معترض به خصوصی سازی بازداشت شدند»، ۱۴۰۴/۰۵/۲۵، ایلنا،

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۶۷۳۹۰۰>

-«بازداشت و آزادی یک خبرنگار حوزه کارگری در شوش»، ۱۳۹۹/۰۴/۲۵، فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران،

<https://ifj-farsi.org/?p=5844>

A Critical Analysis of the Consequences of Privatization within the Framework of Zemiological Approaches

Abstract

In recent decades, privatization has expanded as one of the most significant mechanisms for restructuring the role of the state in the economy and society, within the framework of structural adjustment policies and neoliberal logic. Despite claims that privatization enhances efficiency, competitiveness, and reduces state intervention, in practice—particularly in the absence of transparency, effective oversight, and justice-oriented considerations—this policy may lead to the production and reproduction of social, economic, and institutional harms. Drawing on the approach of zemiology and aiming to provide a critical analysis of the consequences of privatization, the present article seeks to

demonstrate how this policy can expose various social groups—especially lower classes, workers, and consumers of public services—to structural victimization. The main research question is what kinds of harms privatization produces from a zemiological perspective, who its victims are, and what legal and policy mechanisms can be proposed to prevent, control, and compensate for such harms. The research method is descriptive-analytical and is based on library sources and available data. The findings indicate that unregulated privatization can intensify inequality, weaken public access to basic services, increase unemployment, erode public trust, and undermine social capital. Accordingly, the article emphasizes the necessity of establishing ex ante and ex post evaluation systems, ensuring full transparency in the transfer process, verifying the genuine competence of purchasers, guaranteeing workers’ rights, and providing compensatory and supportive mechanisms.

Keywords

Zemiology; Inequality; Privatization; Victim; Harm.